



آریانا افغانستا آن لاین

میر، سیاست و ادب و ادب پناه

<http://www.arianafghanistan.com>

عنوان مضمون: نظر شما در مورد مطالب نشر شده (سال ۲۰۲۱)

اسم: Aref Abassi محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 31.12.2021

دیر گران ورور "بناغلی" وحید صاحب! ممنون توضیحات شما در مورد آمدن به لعل پور. هر جا گوشه خاک وطن است خوش به حال تان. امیوارم شرایط تغییر مثبت نموده صلح بیاید و دوران آتش و باروت و هراس پایان یافته کار و بار تجارت حاجی صاحب دوباره رونق یابد که به مصروفیت میرزایی تان ادامه دهید.

در صورتی که عقل باشد و خرد و آشنایی به اخلاق مکالمه و مفاهیم ضرورتی به قهر و غضب و خشونت و کار برد کلمات ناموزون چیست؟ هیچ گاه بر اساس تکبر و خود ستایی تلاش صورت نگیرد که باور خود را بر دیگران به زور سوتنجبر کلام ناهنجار تحمیل کرد. اگر گفتی با حوصله مندی بشنو، و به طرف قابل احترام بگذار ولو که نظریات متفاوت باشد. اگر کسی با لقب طولانی علمی توریدی نا آشنا، بی حوصله شده بر محترمی می تازد از پیروان و مداحان این استاد چه توقع داشت.

اسم: وحید محل سکونت: فعلاً لعلپوره تاریخ: 31.12.2021

بسم الله الرحمن الرحيم
برادر محترم شاعلو عباسی صاحب
من در دوران رژیم گذشته در تورخم در دفتر یک حاجی صاحب تجار منحصیث یک میرزا کار میکردم دو جوان بسیار لایق با کمپوتر مرا کمک هم میکردند بعد که نظام سقوط کرد کار تجار بی دفتر و بی سند شد ضرورت ان دفترها و رسمیات از بین رفت من چند یوم در جلال اباد بودم حال به قریه در لعلپور امده ام یعنی نه کوچیده ام بلکم جایم بعضاً تغییر کرد والی اگر باز رسمیات شروع شود وحاجی صاحب که تاجر بود مرا دوباره بپذیرد به تورخم میروم
مقصد و غایه من از ابراز نظر این بود که یکی مقابل دیگر بالفاظ نامناسب که نباید به قلم نوشته شود حمله میکردند ادبی مینوشتند پروا نداشت درین میان بعضی اشخاص محترم از جانب مقابل احساس خفگی میکرد که من نخواستم دیگر افغانهای ما از یکدیگر خفه شوند به ناچیز موضوع باز هم بااحترام مزید

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 30.12.2021

شعبه بازی با سرنوشت ملت افغان!
زلمی خلیل زاد نماینده ایالات متحده امریکا با صلاحیت های خارق العاده اش بنابر عوامل متعدد از جمله اختلافات و دشمنی شخصی و سیاسی از دوران تحصیل و کار با اشرف غنی رئیس جمهور فراری کشور توانست تا بکمک گماشتگان خود در افغانستان در عوض انتقام از اشرف غنی از مردم مظلوم و بیگناه افغانستان انتقام گرفت.
زلمی خلیل زاد و گماشتگان او از قماش حامد کرزی، عبدالله عبدالله در افغانستان با سوء استفاده از روش دولرداری جنائیات ضد بشری را انجام دادند که در تاریخ بشریت با غمنامه بیظیر میماند، این اعمال مانند شعبده بازی دلکهاست که با دیدن آنها باید هم خنده و هم گریه کرد.
این اعمال ضد انسانیت بالاخره افغانستان را به پرتگاهی نابود کامل سوق داد، که اکنون همه روزه مردم کشور بشمول کارمندان دولتی از کرسنگی میمیرند.

با این نمونه تکاندهنده توجه کنید، شهریان قندهار یکی از شهرهای تاریخی کشور با داشتن مردمان با غیرت هفته قبل جنازه معلم با عزت مکتب احمدشاهی شهر قندهار را به خاک سپرده که در اثر کرسنگی در منزلش جان داده بود.
اشرف غنی رئیس جمهور قبلی افغانستان در تازه ترین مصاحبه خویش با جنرال کارتر انگلیسی در رادیو بی بی سی گفته است که، « اشتباه او عنوان رئیس جمهور افغانستان اعتماد به شرکای بین المللی از جمله امریکا بود.» بنابر اظهارات مستند حمدالله مجب مقام با صلاحیت امنیتی افغانستان، بر اساس اطلاعات منابع مؤثق پلان قتل اشرف غنی مانند قتلهای دو تن روسای جمهوری قبلی افغانستان نیز شامل پلان عملیاتی تصرف کابل طالبان بوده است. دست کاران گماشته خارجی در افغانستان دو رئیس جمهور قبلی افغانستان را بیرحمانه بقتل رساندند.

۱- داکتر نجیب الله رئیس جمهور قبلی افغانستان در حالیکه در نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل پناهنده سیاسی بود، بتاريخ ۲۶ سپتمبر ۱۹۹۶ توسط نصرالله بابر وزیر داخله پاکستان، که برای رهبری و مشایعت و گرفتن قدرت طالبان در افغانستان آمده بودند، بنام طالبان جنایت قتل را نیز انجام دادند.

۲- برهان الدین ربانی نیز در اثر توطیه که در تحت رهبری حامد کرزی رئیس جمهور دایمی افغانستان با حمایت مستقیم زلمی خلیل زاد هست، در ماه سپتمبر سال ۲۰۱۱ میلادی بقتل رسیده است.

خلیلزاد در واکنش به گفتگوی اشرف غنی با بی بی سی میگوید که :

« اگر او ترسیده بود از امریکا کمک میخواست. »

مردم بخوبی میدانند که قتل‌های زمانداران کشور ها چه در افغانستان و یا در سایر نقاط جهان بدون دست‌های مرموز دستخبرارات و اشارهٔ قورتهای بزرگ در جهان امکان پذیر نیست.

خلیلزاد به اشرف غنی حریف دورهٔ جوانی و تحصیل خود عجیب جواب مسخره و کمک کنندهٔ را برسم شعبده بازی میگوید !

به تاریخ چهار ده پر خون جنگهای خونین در افغانستان نظر اندازید،

زلمی خلیلزاد مشاور و نماینده با صلاحیت امریکا در نقش وایسرای از جانب قصر سفید امریکا در امور افغانستان معمار تمام امور رهبری آنکشور بود، این معمار کهنه کار گرگان را در افغانستان چوپان مقرر نمود،

این معمار وایسرای اولاً در سال ۲۰۰۱ میلادی حکومت طالبان را زیر نام حامد کرزی در افغانستان سرنگون کرد، زلمی خلیلزاد و حامد کرزی دو مشاور کمپنی تیل یونیکال در زیر چتر قوای نظامی ناتو او امریکا در تبلیغات جعلی خویش طالبان را نیست و نابود اعلام کردند. تعداد از صفوف طالبان در دشت لیلی و سایر نقاط در شمال افغانستان توسط جلادان گماشته شده شورای نظار و ملیشه های دوستم قتل عام کردند، تهداد از رهبران طالبان را در زندانهای گوانتانامو، و بگرام انداختند.

همین باند مافیای عصری بودند که در سالهای اخیر در ده سال اول اشغال افغانستان طالبان از نیستی کامل دوباره بوجود آوردند. این معماران همواره برای نابودی حریفان خویش گرگان را در عوض چوپان مقرر نموده اند،

حالا هم چنین است، که معمار ویرانی و قتل بیگناهان افغان جواب کمک خلیلزاد در جواب اشرف غنی با مثال میماند که جلاد از گرگان گوسفند کوچ رنگه را زنده میخواد.

منون باشید.

یوسفی

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 30.12.2021

اختفاء هویت و شخصیت

من در نظر داشتم مضمونی را در مورد اسم مستعار و مستعار نویسان بنویسم، ولی الیوم در سایت افغان جرمن مضمونی را تحت عنوان مستعار نویسان به قلم محترم «شیر سایی» مطالعه نمودم.

قابل تذکر میدانم که تداول و ترویج نام مستعار در کشور های شرقی و اسلامی سابقه بسیار طولانی دارد و دلیل اساسی آن موجودیت رژیم های استبدادی درین کشور هاست، از سابقه استعمال نام مستعار در کشور های غربی اطلاعی ندارم، بعضاً نویسندگانی هم برای برای تمثیل مظالم زمام داران سفاک به شکل سمبولیک و به زبان حیوانات مطالی را به رشته تحریر کشیده اند، شنیده ام که کتاب «انوار سهیلی و کلیله و دمنه» به منظور مشابهی تحریر یافته است.

لذا استعمال نام مستعار تحت انگیزه و یا شرایط فوق الذکر یک کار پسندیده و یک خدمت بزرگ در طریق مبارزه علیه اجحاف رژیم های استبدادی تلقی میشود.

در کتگوری دوم هم ذواتی از اسم مستعار کار میگردند، که نظر به دلایلی که نزد خودشان است، و ما از آن آگاهی دقیقی نداریم، بطور مثال یکی از این ذوات هم داکتر روان فرهادی است که یک سلسله مضامین جالبی را به یکی از پروگرام های رادیو افغانستان تحت نام «خدایار کابلی» ارسال مینمود، دانشمند محترمی، هم اکنون مضامین حقوقی خود را با نام مستعار به سایت افغان جرمن ارسال میدارد.

گروپ سوم مستعار نویسان لوده های سیاسی یا به عبارت دیگر لوده های توی و هتاکان مسلکی و حرفوی است، که به سویه کوچ و بازار، به دریدن ناموس و عفت قلم اشتغال دارند، این گروه پاچه گیران، به شخصیت کشی اشتغال دارند و چنین معلوم میشود که همچو عناصر مانند جواسیس، و افراد توظیف شده، مأموریت گرفته اند، کا با بکار بردن تکنیک شخصیت کشی و ارعاب، نویسندگان حق گوی و حق پسند را خاموش سازند، لذا این عناصر برقع پوش و بی هویت و بی شخصیت، چاره جز این ندارند که سیمای سیاه و کتیف خود را تحت نام مستعار پنهان نمایند، بخصوص در پناه آزادی های بی حد و سرحد کشور های غربی، که اصلاً نیازی برای استعمال اسم مستعار، قابل نوجیه نیست. یک مخلوق عجیب و بیسواد مطلق با همان شیوه که ممکن به ارث گرفته باشد در برابر نوشته معقول و منطقی محترم شیر سایی صاحب عکس العمل نشان داشته و تمجید احسان لمر را در مورد علمیت و دانش خود مثال آورده است، درین مورد به فکر کلام معروفی می افتم که مشعر است:

تو مرا آخوند بگو، من ترا ملا

پناه به ذاتی پروردگار

اسم: محمد عارف عباسی محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 30.12.2021

جناب محترم وحید صاحب!

خوب شد که از تورخم کوچیدیدو در لعل پور مسکن گزین شدید. به ارتباط تبصرهٔ قابل توجه و معقول شما، من صرف از خود وکالت می کنم، نمی دانم دلیل اصلی چیست که محققان و مؤرخان؛ پیچیده دور ظواهر فریبنده؛ صف بسته برای یک تخریب بالاخص در این وضع رقت بار و اسفناک وطن و اولادش، اراده قوی تغییر اذهان مردم داشته با تبلیغات شعار گونهٔ پیروی از سنن لیننزم را به راه انداخته اند، رمز واقعی معلوم نیست و تاریخ هم به عقب بر نمی گردد. مبارزه ولو که تنهایی باشد، ایجابات رسالت مسلکی، مسؤولیت اخلاقی، وجبیهٔ واقعیت پرستی و فریضة ملی است و مسؤولیت است نه جنگ طلبی است و نه کتره پرانی ونه کیانه و تحقیر و توهین.

مضمون محمودی صاحب واقعاً دلچسپ بود تشکر.

اسم: وحید محل سکونت: لعلپور تاریخ: 30.12.2021

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران معززم وافغانهای داخل و خارج

باور بکنید که نوشته های طعنه آمیز به یکدیگر طی یک یا دو ماه آخرین شما باعث خستگی بیحد شد خصوصاً از بابات نادرخان و امان الله پاجا سابق بس است در وطن مسایل بسیار مهم در جریان است شما هم خود وهم دیگران را فریب داده میروید قصداً نظر ملت را از اصل به

فروعات برده اید درست که باید از تاریخ درس وپند گرفت ولی اینکه جواب در مقابل جواب سنگر لفظی درمقابل سنگرلفظی به شما ها مزید نه هرگز باور کنید این دیگر اضافات است افراط است و دوری از منطق نوشته های تاریخی ضرور است ولی در کلکین نظرات چیزی جز عیث نامی دیگر ندارد برادران درین شرایط روی سرنوشت وطن فکر کنید به جوانان رهنمایی کنید ایا میدانید وطن از زمان موجودیت قوای شوروی در بدتر حالت است ایکاش شما باریکی را درک کنید شما از اروپا وامریکا بهتر توجه جهانیان را معطوف میتوانید و جوانان را رهنمایی میتوانید اما این نظرات تان در کلیکین ها باعث دور شدن از مهمات میگردد اما نوشته های خیلی خوب نیز موجود است من احتراماً توجه شمارا به یک نوشته طور مثال نشر شده در دعوت میدیا مورخه ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ که آنها به عیسوی دسمبر ۲۹ نوشته اند معطوف میدارم نوشته از داکتر شامحمد محمودی است ایا عندالهی بگوئید چنین نوشته را شما طی چندین ماه در جرمن انلاین و اریانا خوانده اید این ازبابت اشرف غنی نی بلکم بخاطر محتوای ان درمورد پلانهای مشابه داودخان و موضوعات آب افغانستان که ما مردم لعلپور و گوشته و مومند های سرحد و کنر تماماً در لب دریا تشنه و در وچ داگ استیم هیچ زمامدار توجه نکرده ای برادران لطفاً بخاطر من ریش سفیداین مقاله نمونه وطن دوستی و حقیقت گویی در

<https://dawatmedia24.com/%d9%85%d9%82%d8%a7%d9%84%db%90/135866a>/بخوانید التفات تانرا بدان خواهانم و بعد چنان مسایل را بنویسید بااحترام زیاد وشاباس به داکتر شامحمود محمودی عرض عاجزانه به همینجا ختم والسلام

لینک مرتبط...

اسم: محمد داؤد مومند **محل سکونت:** متحده ایالات **تاریخ:** 29.12.2021

جهان سیاس از دانشمند محترم سبرینه جان نوری!
دو سه روز قبل مضمونی را تحت عنوان «شخصیت غازی نادر خان در نظر علامه اقبال» در همین سایت وزین و مهذب آریانا افغانستان بدست نشر سپردم.
من درین نوشته اشتباهاً نوشتم که کتاب «جاوید نامه» داکتر اقبال از طرف دانشمندان با کتاب «کمیدی الهی گوته» مقایسه شده است.
در حالیکه کتاب «پیام مشرق» علامه داکتر اقبال در جواب شاعر آلمانی «گوته» تحریر یافته است. چنانکه داکتر اقبال در یک شعر خود به این نکته چنین اشاره میکند:
پیر مغرب شاعر المانوی
آن قتیل شیوه های پهلوی
بست نقش شاهدان شوخ و شنگ
داد مشرق را سلامی از فرنگ
در جوابش گفته ام پیغام شرق
ماه تابیی ریختم بر شام شرق
امروز بی بی گرانقدر سبرینه جان نوری ترجمه فارسی «کتاب کمیدی الهی» اثر «دانته» را که در ایران به زبان فارسی ترجمه شده، برایم توسط ایمیل فرستادند، و من ملفت اشتباه خود در زمینه گشتم.
من بدین وسیله مراتب ژرف شکران و امتنان خود مبنی بر مساعدت فرهنگی سبرینه جان نوری خدمت شان ابراز داشته، ضمناً از اشتباه خود در زمینه از هم وطنان گرامی معذرت میخواهم.
با عرض حرمت

اسم: Aref Abassi **محل سکونت:** کلیفورنیا **تاریخ:** 29.12.2021

محتر داکتر صاحب اکبر یوسفی!

ارزیابی دانشمندان نکته دان عمق نگر دیگر در مورد این نوشته همگون بابر داشت شما نیست. اگر عنوان برای گمراهی آفریده باشد یقیناً که در انوار فضل و دانش خود از گم راهی رهایی یافته راه مطلوب در می یابید.
عنوان در بازتاب یک حقیقت واضح است. ولی تعبیرات متفاوت است من هرگز در برابر پذیرفتن واقعیت لجابت مکتبی نکرده ام.
با عرض حرمت مزید.

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی **محل سکونت:** آلمان **تاریخ:** 29.12.2021

جناب محترم عباسی!

متأسفم یک مرتبه دیگر هم شما طاقت حقیقت شنیدن را نداشتید. این با قبله و نماز ارتباط ندارد. علم یک چیز است، عالم چیز دیگری است.
عنوان مطلب شما بصورت کافی گمراهی را نشان می دهد. با احترام. یوسفی

اسم: Akhtar Yusufi **محل سکونت:** USA **تاریخ:** 29.12.2021

معظم او د قدر ویر مشر ایوبی صاحب!

ستاسو نظر د طالبانو او بهرنیانو د لاسوهنو په هکله کاملاً دقیق دی،

الله دی تاسی تل ژوندی او آباد لری،

تاسو ته معلومه ده چی زه طالب نه یم او هم د طالبانو سره زما د فکری پلوه څخه ډیر تفاوتونه موجود دی.

د طالبانو یو لړ نیمگړتیاوی له دی کبله دی، چی افغان پخوانی سیاستوالو د ناوړو اعمال او جنایاتو محصول دی، مگر طالبان د عمل په ډگر کښی د ملی ارزښتونو او د ملی شتمنیو په ساتلو کښی یو لړ بیساری سپڅلی معیارونه لری چی نه پخوانی جهادی ډلی لری او نه هم د کرزی او غنی فاسد او چټل حکومتونه درلودل.

د طالبانو مذهبی ټینگار او مذهب څخه د دوی ناپوهی اولس ته ضرر نلری، بلکه دا هغه وارداتی افکار دی چی د عربو، او د انگریزی د بوندی مدرسو افراطی کرنی ته دوی تشویق وی، زه پدی باور یم که چیری د طالبانو سره سالم د ملی مسولیت له مخی د زړه سوی له لاری جلند وشي، دا امکان سته چی هیواد د کورنی او بهرنی دښمنانو له منگلو څخه وژغورل شی.

دا تاریخی تحول هیوادوالو ته هغه تاریخی فرصت دی، کوم چی افغانان کولای شی د خپل تاریخی رسالت د اداکولو په چوکاټ کښی د بریالیتوب امکانات ته ورسیری. کڅپیری دا پلا طالبان بیا د خلکو ملاتړ له لاسه ورکړی، نور د هیواد د جوړولو امکان وجود نلری. امین یاربالعالمین. ا یوسفی.

زنان افغان !

از خارجيها گيله هم زياد نيست که چرا تعريف درست و حقيقي از زنان افغان را باخود ندارند، خارجيها با مد روز در لوحه تبليغات شان بدون اينکه موقف و وضع عيني شرايط زندگي زنان افغان بدانند، کور کورانه مدعي احياي حقوق زنان افغان هستند. با کمال تأسف عده سياسيون ناکام افغان که دم عده زيادي ايشان با استخبارات هاي بيروني گهره خورده اند، براي کسب شهرت کاذب خود نيز کور کورانه در مورد حقوق زنان ميليوني محروم از همه چيز افغانستان از خارجيها کاذبانه تقليد مينمايند. رحمت الله نبيل سياست باز کاپي شده استخبارات با شان و فرت در مورد زنان ميگويد که:

« طالبان اينبار با بمهاي خارجيها نه بلکه بزور زنان مبارز سرنکون ميگردد»

اقاي نبيل بحيث سياست باز مرد در جامعه مردسالار افغانستان ميخواهد برف باف خود را بر بام زنان کشور مي اندازد، بيخبر از آن مليونها زن محروم افغانستان سواد ندارد و کوچکترين اطلاع و فهم از حقوق ندارد. عقهه کشايي سياست نه بلکه سياست بازی است. اگر از آقای نبيل پرسیده شود، وقتی کاندید ریاست جمهوری افغانستان بودید بود، چرا یک روز هم خانمت را در پهلوی خود در سر ستیژ کمپاین انتخاباتی نیاوردی؟

چند تن محدود زنان را که خارجها و مزدوران حاکم در قدرت حاکمه حمایوی بیرونی در کشور در مطبوعات داخل و خارج برخ جامعه میکشيدند، عده شان در جريان سرنکوني حکومت اشرف غني از کشور فرار کرده اند، عده که شمار شان برابر شمار انگشت است بحيث معضله اجتماعي در برابر جامعه قرار دارد.

اين زنان انگشت شمار بيچاره که شبکههای نورس آنها را تحريك مي کند، خود از وضع زندگي حقيقي زنان افغان اطلاع کافي ندارد، چه رسد بتوانند نظام افراطي طالبان را سقوط بدهند.

آقای نبيل شرم آور استاز امکان بدور نخواهد بود که سرنکوني نظام فاسد در افغانستان شما را بخواب زرین فروبرده است. خجالت آور است که شما هنوز هم منتظر آن هستيد، که زنان محدود انگشت شمار در سرکهای دور و پيش ارگ کابل فرياد مي کشند. تخت شما و حريفان تانرا دوباره احياي کنند.

قابل ذکر است، که تعداد از صفحات نشراتي کثيف انترنيتي از قبيل تاند، افغان جرمن- آنلاين نيز تبليغات و دروغهای خيالي را برای مغشوش ساختن اذهان عامه مردم کشور چنين مطالب را پخش میکنند

اسم: Aref Abassi محل سکونت: کلیفورنيا تاريخ: 29.12.2021

متن را ناخوانده تبصره نکنید و قبله را نا دیده نماز نخوانید!!!

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ايالات تاريخ: 29.12.2021

به امید مطالعه یک تحلیل علمی، منطقی و اکادمیک استاد سيستانی.

شاغلی سيستانی در دريچه منازعات سايت قيس جان کبير مینويسند:

«قرار بود انتقادات بر سلسله مقالات کيش شخصيت جهانی را شروع کنم ولی به خاطر رعايت تقاضای شما فعلاً از اين کار صرف نظر نمودم.»

من به اين باورم که هدف تقاضای متصديان سايت، جلوگیری از اتهامات و تعرضات شخصی بود نه، ممانعت یک بحث و تحليل علمی و اکادمیک.

متأسفانه انتقادات استاد سيستانی شکل تعرضات شخصی را گرفت و ربطی به محتوای رساله استاد جهانی نداشت، چنانکه اتهام انگيزه غلزی بودن شاغلی جهانی عليه قوم درانی، و يا هم عدم مؤفقيت استاد جهانی در دوره وزارت اطلاعات و کلتور و يا هم تقارن ذهنی جهانی با کدام جريان چپی در گذشته مرا به ياد تعرضات شخصی داکتر حسن کاکر عليه استاد داکتر زمانی انداخت.

تا جائیکه من شاغلی جهانی را از ساليان متمادی بدینطرف ميشناسم، همچو اتهام در مورد شخصيت و طبيعت و کرکتر وی دور از واقعيت است، و همچو اعتراض و انتقاد بی پایه شاغلی سيستان را خیلی خیلی غير و اقعی و غير عادلانه يافتم.

موضوع ناکامی وزارت شاغلی جهانی که من در گذشته بر ان انتقاد های به عمل آورده ام، با موضوع تحقيق شان کاملاً بی ارتباط است. نظر عالمانه انتقادی با تعرضات شخصی کاملاً در اقطاب مخالف قرار دارد.

اکنون اگر استاد سيستانی اين صلاحيت علمی را در خود می بيند که محتويات مستند و متکی بر مدارک رساله استاد جهانی را با یک تحليل منصفانه، عالمانه و منطقی و پاراگراف به پاراگراف و صفحه به صفحه بصورت یک رساله مورد تحليل قرار داده و حقايقی جديدی را با

ارائه اسناد و مدارک به شايقين تاريخ کشور عرضه دارند، کاری خواهد بود نهايت مفيد و مستحسن.

من منتظر همچو تحليل عالمانه و فاضلانه مؤرخ سيستانی بوده و برای مطالعه آن روز شماری ميکنم.

اسم: دوکتور محمد اکبر يوسفی محل سکونت: آلمان تاريخ: 28.12.2021

«! از مقتضيات و مشخصات علمی در هر نوع تحقيق نه بايد عدول کرد

با مرور اين عنوان، ذهن اينجانب را زياد با خود مصروف ساخت و جرئت مطالعه متن مکمل را هم در خود ندیدم. از یک جهت درست است، که علم و تخنيک در زندگي بشر یک ضرورت است و استفاده مثبت از نتايج آن در حقيقت باز هم به تطبيق کنند اختصاصی نیاز مند است. صرفنظر از اينکه تحقيقات علوم در ساحات مختلف صورت می گيرد. وقتنی نويسنده از هر گونه تحقيق سخن می زند و تأکيد می

ورزد که "نه بايد عدول کرد!" اين چه نوع حکم است؟ اول آيا هر انسان اين قابليت را خواهد داشت که به همه مشخصات علمی بفهمد؟ و در

زندگی عدول از نتایج آن، نه کند. دوم درینجا دو مثال را یاد می کنیم: الف: در فزیک ذروی علم و تخنیک بطور نمونه تولید "بمب هایدروجنی" و انفجار آنرا ممکن ساخت. استعمال آن، می تواند تا ده میلیون انسان را، از زندگی محروم سازد. استعمال آن، یک طریقت را تشخیص و به عنوان هدایت، بدسترس بشریت قرار داده است. حال اگر از تطبیق آن، عدول صورت نگیرد و آنچه علم و تخنیک امکان داده است، عملی شود، کار معقول است؟ ب: به تاریخ اول ماه می ۲۰۱۱م، در شرق افغانستان، یک طفل ۱۲ ساله با یک عمل انتحاری، ۴ نفر دیگر را هم به مرگ می سپارد. اگر او این کار را نمی کرد، گناه داشت؟ امید است، خوانندگان محترم، نه تنها ساحات علمی مختلف را با تفکیک در نظر بگیرند، امید است، تا هم چنان میان فهم و دانش علمی و عقیدت دینی نیز فرق را در نظر بگیرند. با احترام، یوسفی.

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 28.12.2021

شاید سال ۲۰۱۱ بود که در شهر ستوکولم سویدن در یک کنفرانس افغانها جناب سیستانی، خلاف توقع من، از سنج پابین شده و دست مرا به مناسبت سرودن یک شعری... "پشنام" پشنتو بیرى دوبیری» در حضور همه حاضرین بوسید

Such a gesture of kissing hand, if he did, is a very personal gratitude for appreciation of a particular action then and should not be utilized as backstab decade later. Public statements such as expressed desire to be Afghanistan cabinet minister provided that no visitation wait to access the then president, presenting poetry - now proven to be the simplest form of art, low pay and anyone can master it with passing few short learning courses - as sign of natural brilliance and other easily observable similar trait are signs of stuck in time chained with egoism.

اسم: محمد عارف عباسی محل سکونت: کلپورنیا تاریخ: 28.12.2021

دوستان بی نهایت محترم و هم وطنان عزیزم لونگین صاحب و الله محمد صاحب! مقدم بر همه اجازه دهید تا بهترین احترامات و تمنیات نیک خود را خدمت شما تقدیم نمایم!

ممنون حسن نظر و حمایت واقع بینانه شما از بیان واقعیت قلم و اندیشه من می دانم که در طی این طریق تنها نیم و هم صدا ها و هم فکران چون شما دوستان هم راه دارم.

لازم می دانم که صادقانه به عرض برسانم که در این موقف گیری برای من انگیزه جز ایفای رسالت و مسؤولیت روشن گری و راست گویی و تضاد در برابر مساعی مرموز تحریف واقعیت ها بر مبنای علایق و سلاقی شخصی چیز دیگر نیست. با هر که در می آویزم، مصاف صلح آمیز قلم، استدلال و منطق است و خاشه ای و گرده ای از کینه و کدورت و خصومت در دل و دماغ نیست.

ارائه نظر را حق مسلم و مدنی خود می دانم و حرمت طرف مقابل را وجیه اخلاقی. در انجمن فرهیختگان تفاوت نظر نه باید بین شناخت ها و مراودات حسنه فاصله بیافریند. ممنون توجه شما بزرگواران.

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 27.12.2021

"فارسی-ایران : " مگر وقتی مقاله را باز کردم، دیدم، که چنین نیست و "امایش" گل نویست، که در گلستان "همیشه بهار" فارسی ایران رونیده است

When a single language is divided to three political languages - Farsi, Dari and Tajiki - such outcome is not only weakening the subject language but also manifest and reveals nonproductive discussion all the way to the level of animosity and even hostility.

Indigenous English speakers in three separate oceans apart continents identify their shared language as ONLY English, while Persian language within three side by side political geography already divided into three.

Group/Herd-centered state-of-mind is often the derivative of empty feelings, causing to subside analytical analyzation of nature, events and concepts such as language.

اسم: محمد داؤد مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 27.12.2021

بیدل شناس محترم الله محمد خان گرامی سلام ها و احترامات مرا بپذیرید

در طول سالیان متمادی از ابراز نظریات تان در موارد مربوط به اوضاع مردم و وطن خود، در ابعاد متفاوت و گوناگون آن مستفید گشته ام، آنچه بیشتر علاقمندی مرا با طرز تفکر و سلیقه ابراز نظرات تان، مرتبط میسازد، حق گوئی، حق ستایی، واقع بینی، واقیت گرایی و در یک کلمه منصف بودن شمادر تحلیل قضایا است، همین نزدیکی و تشابه سلائق در موضوعات مطروحه و بدون هیچ نوع انگیزه انفسی و خود خواهی، خودنگری، و طرز نظر خود را بر دیگران به بر تری کشیدن، رشته اخوت دوستی میان من و شماست.

یک بار دیگر تائید و تجدید شما را از مضامینم در مورد تاریخ و شخصیت های تاریخی، مثل همگونی نظریات ما مبتنی بر واقعیت گرایی و نه بر استنباطات سلیقوی ارج میگذارم. با عرض حرمت و امتنان

اسم: عبدالباري جهاني محل سکونت: MANASSAS Parkl تاریخ: 27.12.2021

محترم عبدالاحد خان سلام و احترامات بنده را بپذیرید. چون سوال تان بطور مشخص متوجه اینجانب بود باید بگویم که بلی! شاید سال ۲۰۱۱ بود که در شهر ستوکهولم سویدن در یک کنفرانس افغانها جناب سیستانی، خلاف توقع من، از ستیج پایین شده و دست مرا به مناسبت سرودن یک شعری بنام «پښتنو بیرۍ ډوبیرۍ» در حضور همه حاضرین بوسید. بعد از کوتاه مدتی به نسبت مضمونی که در باره اصلاحات و سقوط امان الله خان نگاشته بودم به اندازه دشمنم شد که فقط بگویی بر حریم منافع شخصی او تجاوز نموده باشم. ولی باور کنید که همان مضمون بنده که فعلاً هم در ارشیف افغان جرمن موجود است از سر تا آخر مستند به آثار دست اول است و بناء بر هیچ غرض شخصی، که اصلاً موجود شده نمیتوانست، به رشته تحریر کشیده نشده بود. خدا کند سوال تان را جواب داده باشم. با احترام

اسم: الله محمد محل سکونت: آلمان تاریخ: 27.12.2021

جناب محترم آقای عباسی و جناب محترم آقای مومند صاحب!

بعد از عرض سلام و احترام به شما متفکرین و روانشناسان محترم از روشن اندازی تان در روح و روان تاریخ کشور ابراز تشکری نموده برای شما و همه دوستان مانند محترم جهانی صاحب صحتمندی آرزومندم. ضمناً از دوستان تیم "الف" هم تشکری نموده که باعث تشویق تیم "ب" با استدلال های خود می گردند.

از نظر منطقی هر گاه الف مدیریت درست می داشت موقع به ب مساعد نمی شد.

محفل هستی به تحریک دلی آراستند

دانه بی در شوخی آمد حاصلی آراستند

بیدل

اسم: عبد الاحمد محل سکونت: دنمارک تاریخ: 27.12.2021

سوالاتم را از جناب «کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی» تکرار می کنم.

به تاریخ 17 دسامبر 2021 کامنتی نوشته و سوالاتی را به جناب کاندید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی راجع ساخته بودم. چون ایشان تا به حال که ده روز متواتر از آن می گذرد، جوابی ارائه نفرموده است، ازینرو عین همان کامنت را نقل میکنم:

«اسم: عبد الاحمد محل سکونت: دنمارک تاریخ: 17.12.2021»

آیین عیاری و جوانمردی

مؤرخ نامدار وطن و مؤلف چندین اثر تاریخی، محترم کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی در مقاله اخیر خویش در وبسایت افغان جرمن آنلاین که در مذمت استاد خلیل الله خلیلی نگاشته اند، از رادمردی و عیاری داد سخن داده و اوصاف عیاران را می شمارند.

سوال من از جناب سیستانی صاحب این است، که اگر استاد خلیلی رساله عیاری از خراسان را در مدح بچه سقو نوشت و یا در مدح جنرال ضیا الحق چکامه سرود، چرا شما چهره مبارک خود را در آیینۀ تاریخ نمی بینید و از خود نمی پرسید که در شورای انقلابی رژیم خلق و پرچم چه گل هایی را به آب داده اید؟

و مشخص تر می پرسم:

- 1 - جناب اعظم سیستانی در کدام مرتبه عیاری و جوانمردی قرار دارند؟
- 2 - آیا کار استاد خلیل الله خلیلی بدتر از کارهایی بود که جناب سیستانی در شورای انقلابی رژیم خلق - پرچم انجام می دادند؟
- 3 - چرا از خود نمی پرسید که چرا در هر رژیم چهره عوض کرده اید؟

و سوال آخر:

- 4 - آیا شما دستان محترم «باری جهانی» را بوسیده اید، طوری که داکتر صبورالله سیاه سنگ می نگارد؟ امید است به همین چند سوال جواب کوتاه داده و ممنون سازید.

با عرض حرمت

عبدالاحمد

از جناب کاندید اکادمیسین سیستانی صاحب توقع جدی دارم تا به سوالاتم جواب مقنع ارائه کرده ممنون سازند.

اگر جناب سیستانی اینبار هم به جوابم نپردازد، از نویسنده توانا و شاعر زبردست افغانستان محترم «عبدالباری جهانی» خواهش میکنم که سوال آخرم را جواب بدهند و بنویسند، که آیا آقای اکادمیسین اعظم سیستانی دست ایشان را در پیشروی یک کانفرانس در سویدن بوسیده است یا نی - طوری که محترم داکتر صبورالله سیاه سنگ ادعاء دارد؟؟؟

با احترامات فایقه به هردو هموطن عزیزم

عبدالاحمد

دنمارک

اسم: خلیل الله معروفی محل سکونت: جرمنی تاریخ: 27.12.2021

شکر یک لغت نو "فاغذیچ" یاد گرفتم!!!

در صفحه دیروز ۲۶ دسمبر ۲۰۲۱ وبسایت معزز "آریانا افغانستان آنلاین" مقاله نویسنده جدیدی را خواندم. هموطن عزیز به نام عزیز "حمیدالله امیری غوریانی" مقاله ای عرضه کرده است زیر عنوان «چشم انداز آمایش سرزمین در توسعه افغانستان». با محتوای مقاله نمیخواهم سر و کار بگیرم، با آن، که آن را نافع و سودمند هم میدانم. وقتی عنوان مقاله را روی صفحه خواندم، فکر کردم، که حتماً اشتباه تایپی سر زده و کلمه "ازمایش" به "آمایش" تغییر هیئت داده است. مگر وقتی مقاله را باز کردم، دیدم، که چنین نیست و "آمایش" گل نوی

ست، که در گلستان "همیشه بهار" فارسی ایران روئیده است. مقاله را مرور کردم و متوجه گردیدم، که نویسنده عزیز مقاله هم با اطمینان کامل از "نامأنوس بودن" این لغت، سخن میگوید. چنان، که چند سطر اول مقاله را وقف توضیح و تشریح این "گل نورسته" کرده است. چون توضیحات آن نویسنده عزیز قانع ساخته نتوانست، در جست و جوی استمداد از ماشین خداداد "گوگل" برآمدم و نکاتی را در زمینه در "دانشنامه آزاد" یافتم:

– نوشته اند، که: "آمایش" واژه ای از "فارسی باستان" است، که در فارسی امروز به کار گرفته شده است

– و نوشته اند، که: "آمایش" اسم مصدر از فعل "آمودن" یا "اماییدن" است

– و نیز نوشته اند، که: این لغت مُعادل Processing انگریزی و Aménager فرانسوی میباشد، که از طرف "فرهنگستان زبان و ادب فارسی" وضع شده است.

وقتی نام "فرهنگستان زبان و ادب فارسی" را خواندم، گوشت "چرنگ کرد" و علی الحساب به نام و روان پاک استاد فرزانه، "داکتر خسرو فرشیپورد" مرحوم، هزاران رحمت فرستادم. "داکتر خسرو فرشیپورد" استاد نامدار پوهنتون تهران بود، که هزاران شاگرد تربیه کرد ولی افسوس، که از دست "فرهنگستان زبان و ادب فارسی" با اندوه فراوان و با دل پردرد و پر خون از جهان رفت.

گپ بر سر کلمه نوظهور "آمایش" بود، که باعث شد تا این سطور را بنگارم. مگر وقتی به ابعاد مختلف این نکته پی بردم، بهتر دانستم، که این تبصره را با همین یادداشت مختصر خاتمه بدهم و تعهد بسپارم، که در زمینه مقاله ای مستقل تقدیم نمایم. پس تا آن دم!!!
با محبت فراوان او په درناوی

اسم: لونگین محل سکونت: کتر تاریخ: 27.12.2021

جناب عباسی صائب بزرگوار، مضمون بسیار عالی را از قلم مبارک خویش به زیور نشر آراستند که خیلی به دل چسپید. خداوند برای شما عمر دراز و صحت کامل اعطا فرماید تا باشد تعرضات مغرضین سیه رو را با قلم بران و استدلال منطقی خود بدون هیچ نوع بغض، کدورت و ریا دفع نموده و نگذارید تاریخ پرافتخار کشور ما را یکتعداد به لجنزار بکشانند.

شاید امروز کشور ما با بدبختی و تنگدستی بسیار اندوهگین دست به گریبان باشد، لیکن نباید فراموش کنیم که در صد سال اخیر از عشق به وطن، از عشق به افغانیت و از عشق به آزادی ملیون ها کشته دادیم و نگذاشتیم یک وجب خاک ما را احدی از ما بگیرد و یا عجمی سرنوشت ما را تعیین کند.

اشاره میکنم به راکت پرانی های امروز پاکستان در کتر، که اردو و نظام طالبی را ضعیف تشخیص داده با راکت پرانی های متداوم اهالی منطقه را مجبور به فرار و پلان غضب این مناطق را دارد. چی فکر میکنید، دفاع از خاک و تمامیت ارضی ما در این مناطق چی فداکاری و بهای خون ضرورت دارد که خوشبختانه این بهای خون در رگ رگ هر افغان جریان داشته، دارد و هیچگاه نمی ایستد.

سپه سالار نادرخان غازی شخصیت پرافتخار کشور ماست، او در جنگ تل آماده بود تا بهای خون خویش را به کشورش بپردازد پس شهامت، غیرت و افغانیت او درج تاریخ ماست. با تأسف این روزها چند مریض، مرتجع، وطنفروش، عقده مند سیاسی و دوکتور های ناکار برای خود مصروفیت خلق نموده از راکت پرانی های پاکستان الهام گرفته هر روز از زیر لحاف های گرم در کشور های خارجی برضد افتخارات تاریخی ما قلم پرانی میکنند.

جواب مستدل جناب عباسی صاحب سیلی محکمی است بر روی ارتجاع سرخ کمونیستی للینی و علم برداران مائوستی آن که به ایشان تبریک میگویم.

موفق و کامگار باشید

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 26.12.2021

تواریش آفاق به لله بلا میکنی!

ودکای زهر اندود و سکر آورت را بمنظور افتراق و در نتیجه شخصیت کشی زعمای بزرگ کشور، و صرف و بخصوص به سایت مورد نظر دادی تا تیرت به هدف مذموم و نا میمونت اصابت کند، باور دارم تحت سراب آشکار ساختن حقایق، احساس کاذب ستمی تو بصورت بارز قابل درک است.

انگیزه این فتنه و فتن ترا، با انگیزه، داکتر نصری حق ناشناس ستمی جمعیتی ارشد الشیاطین بحران الدین، مشابه یافتم که سی و پنج سال قبل در پشاور برای خوشنودی راه بُران سقوی دوم در اخبار مجاهد ولس، برای تخریب شخصیت پادشاه مغفور محمد ظاهر شاه (رح) روی وسوس خبیثه تباری و نژادی به رشته تحریر کشید.

اکنون در نتیجه سکر ودکای زهر آلودت، جنگ از سرحد غازی امان الله و غازی نادر خان بگذشت و جنگ مابین دو فرقه عظیم شست یا شصت ملیونی پشتون تباران جهان یعنی فرقه های درانی و غلزایی آغاز یافت.

علامه اقبال ماهیت نوات ستم کیش و ستمی مذهبی، مانند داکتر حق ناشناس و تواریش آفاق را صد سال قبل چنین به تصویر کشیده است:
ای بسا آدم که ابلیسی کند

ای بسا شیطان که ادریس کند

پروردگارا، به ما، خیرت و بصیرتی عطاء کن که در روشنی درک آن، به دهل جادوگران و شیاطین منافق سیاسی نه رقصیم، و ملعبه دست های نا مریی و مرموز قرار نگیریم. آمین

اسم: محمد عارف عباسی محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 26.12.2021

با تمام احترام به نویسندگان ارجمند این وبسایت وزین با فهم و درک علایق ایدیولوجیک شان، که مخاطب من شناخته شدگان اند، با ارائه

توضیحات مزید و تداوم بحث با جواب نوشتن مرا آرزوی ایجاد آزدگی و ملالت خاطر شان نیست.
حرف من سوی دگر و مبارزه من در جبهه دگر است.

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 26.12.2021

"... از این معلوم میشود که شاغلی انجنیر صاحب داوری از تاریخ مبارزات نهضت خدایی خدمتگاران اطلاعی ندارد..."

The main reason Pashtuns are left behind in South Asia related to " Khudai-Khitmatgars " leader at the time followed exact steps of late Gandhi's nonviolent-way of struggle to achieve freedom. Gandhi on behalf of vast majority of Indians was able to achieve what he wanted. With such almost total majority he could simply block all roads very peacefully to freeze the time sitting still.

Late Pacha-Khan nonviolent way doctrine implemented then while representing mere 6% of the then population were non-starter, made to fail and it did. Nonviolent way of struggle almost never succeeds for societal minorities and as such he did a great service for Indians, but not the Pashtuns. Ordering then around 10,000 Pashtuns youth in the front fighting line would have had much better outcome.

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 26.12.2021

تأیید نظر شاغلی عزیزی

چندی قبل «تواریش آفاق» بنابر وظیفه محوله اش مانند راه بُرانس به زهر پاشی پرداخت، همچو زهر پاشی شباهت به پالیس انگلیس در نیم قاره هندوستان داشت که تفرقه بینداز و حکومت کن. فکر میکنم تواریش آفاق زیر عنوان بیان رویداد های تاریخی، منافقانه به ایجاد کدورت ها و خصومت ها و مخاصمات پرداخت.
گفته اند:

نیش عقرب نه از پی کین است

مقتضای طبیعتش همین است

بعد از هزار رسوایی و پاچه کشیدن ها، شاغلی نبیل عزیزی مینویسد:

«اگرچه تاریخ آینده ساز است ولی ما افغان ها آینده خویش را با تاریخ سیاه تر میسازیم، به جای آنکه برای آینده روشن از آن استفاده کنیم.»
من ضمن تأیید نظر شاغلی عزیزی به عرض میرسانم که چند سال قبل در جواب دانشمندی گفته بودم که: نه تنها تاریخی نوی نخواهیم ساخت ولی تاریخ گذشته را نیز به ابتدال خواهیم کشید.»

به قول شاغلی عزیزی نباید آینده خود را با تاریخ سیاه تر بسازیم.

خاوند ما را از مرض خود بینی و خود خواهی و خود گرایی و احساس کاذب بزرگ منشی نجات بدهد.

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 25.12.2021

تداوم ابراز نظریات زهرآگین در سایت افغانن جرمن!

شاغلی انجنیر داوری در مقاله خود تحت عنوان «افغانستان فقیر...» در یک قسمت مینگارد که: «...در مرحله سوم با تبلیغات فراگیر حلقات ماخلولای خدایی خدمتگار چپ افراطی...»

از این معلوم میشود که شاغلی انجنیر صاحب داوری از تاریخ مبارزات نهضت خدایی خدمتگاران اطلاعی ندارد، و یا اینکه از توضیح منحن و مذموم قاموس کبیر که من شدیداً منتقد آن بودم، الهام گرفته اند.

نمیدانم استاد سیستانی که مؤرخ غنیمت و خوبی استند، چرا در همچو موارد از سکوت و بیطرفی کار میگردند؟
خاوند بر ضمائیر آگاه است.

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 25.12.2021

عالی جناب عباسی!

انتخاب راه سیاسی، عقیده و فعالیت های اجتماعی پیرامون حوادث افغانستان تنها و تنها حق چند تن افغان عقده پر نیست، بلکه انتخاب راه سیاسی و ابراز نظر در مور کشور حق طبیعی هر افغان و هر انسان است.

برای من این مهم نیست که ضدیت شما علیه دیگران چی عمق دارد. مگر در عین زمان شما نمی توانید با این روش عقده مندانۀ خود که سالیان متمادی بدون نتایج ملموس آن چسپده انید، دیگران و کشور خود را کمک کنید.

جناب عباسی!

جارجی بودن که از راه اصول و منافع ملی در اوضاع کنونی کشور و ولو هرکسی که باشد، برای کشور و مردم آن سخن نیز عاجل کشور را بگوید، بمراتب از چارچیان عقده پر که مدتهاست از بستر گرم در خارج از کشور دشنام میدهند، صد بار بیشتر و بهتر شرف دارد و مفید است..

من متقدم و واضحاً هم بارها گفته بودم که خوب و بد حوادث میهنی و زمامداران گذشته افغانستان همه و همه ثبت تاریخ پر خون کشور است، در اوضاع و احوال نابودی کشور ضرورت تکرار گذشته بازگویی مکرر تاریخ نیست، این چنین برخورد عقده مندانۀ برای وظایف ملی کنونی کشور هیچگونه قدامت ندارد. گفته بودم، هرگاه واقعاً هم همه ما و شما افغانها حقیقت بین باشیم، امروز در پشروی چشمان همه ما فرزندان مظلوم سرزمین ما افغانها از کرسنگی میمیرند، افغانها جگرگوشتهای خود را مانند امتعه در بازار می فروشند. اکنون دشنام زدن به ببرک کارمل وکا حی بی و غیره هیچ قدامت ندارد،

این دشنامها درد این ملت بلاکشیده را دوا نمی کند. دشنام دادن به گذشته گان کشور در حالیکه عاملین بدبختیهای کنونی کشور در پیشروی همه ما افغانها بالفعل قرار دارد هیچ سودی به جز عقده کشایی را ندارد. مثال واضح تر را که در مورد چنین روش مطابقت دارد بشما بگویم. آیا آنده عقده مندان چون عبدالله کلازم و عبدالرحمن زمانی در اوضاع و احوال کنونی نابودی میهن. گذشته ها قبل از یکصد سال را اکنون آستین برزده اند از صفحات ثبت شده تاریخ گذشته انگلیسها علیه اعلیحضرت نادرشاه راست و یا دروغ تکرار می نویسند برای وضع کنونی افغانستان کمک می کند؟

هرگز نه، در اوضاع و احوال کنونی افغانستان پیچیدن مخربانه و تحسین گونه در باره گذشته تاریخ و زماکداران ان هرگاه شما خوش داشته باشید و یا خوش نداشته باشید هیچ سود برای اوضاع کنونی کشور ندارد، آنچه که از گذشته کشور نیاز ملی کشور است، تجارب آنست که باز دوباره نارساییها و جنایات هولناک در کشور تکرار نشود.
عباسی محترم!
جانبداری و تبریئه مطرح نیست. اکنون کشور و مردم آن به اتحاد ملی نیاز دارد، تا که بتوانند کشور و مردم آترا از نابودی کامل کنونی نجات بدهند. اینست وظلیف جارچی و محک اعمال نیازمندیهای ملت

اسم: خلیل الله معروفی محل سکونت: جرمنی تاریخ: 25.12.2021

سه روز غیابت و سه روز دورماندن از نظرات دوستان!!!
نسبت گرفتاریهای شخصی تقریباً سه روز تام و تمام را بدون دسترس به کمپیوتر به سر بردم. اینک، که صبح مردان ۲۵ دسمبر ۲۰۲۱ است و زمینه بازکردن بساط نوشت و خوان دست داده، زمینه مرور دو کامنت مورد نظرم هم میسر گشته است:
- یکی از برادر عزیز، که از ایران مینگارد، به نام ارجمند "مجتبی" - صفحه ۲۱ دسمبر ۲۰۲۱
- و دیگر از برادر وطندارم، ارجمند "جان محمد جان"، که با ایشان سابقه طولانی دوستی و تبادل نظر دارم - صفحه ۲۳ دسمبر ۲۰۲۱
ضمن این معروضه میگویم در حد گنجایش این صفحه نکاتی را به حضور هردو عزیز تقدیم کنم.
۱ - به حضور محترم "مجتبی"

چه خوشایند است که کامنتی را از یک برادر نیشاپوری میخوانم. در صفحه مؤرخ ۲۱ دسمبر ۲۰۲۱ مناظرات "آریانا افغانستان آنلاین"، کامنت جالبی را خواندم، که از خامه یک برادر ایرانی و زاده شهر زیبای نیشاپور، به نام آقای "مجتبی"، تراویده است.
"خداوندگار بلخ، حضرت مولانا جلال الدین محمد رومی"، که به حضرت "شیخ فریدالدین عطار نیشاپوری" از دل و جان اقتداء میفرمود، فرمود:

خانه عطار عشق و شور اوست

هرکجا شور است، نیشاپور اوست

حدوداً بیست سال پیش ضمن یکی از سفرهای بیشمارم به کشور زیبا و همزبان ما، "ایران"، رهسپار "نیشاپور" گشتم و آرامگاههای "شیخ فریدالدین عطار" و "حکیم عمر خیام" را زیارت کردم. قبلاً مگر مقبره مجلل و بسیار با عظمت "ابوالقاسم فردوسی توسی" را در جوار مشهد زیارت کرده بودم. و سالها پیش از آن در آگست سال ۱۹۹۲ رهسپار همدان گشتم و ضمن یک هفته از دیدنیهای آن دیار دیدن کردم. هدفم از سفر به همدان، مگر زیارت آرامگاه پور سینا - آعجوبه روزگار، "ابوعلی حسین بن سینا" - بود. از "کوه الوند" و سنگ نوشته خشایارشا، به "خط میخی" هم دیدن کردم. و سالها پیش از آن رهسپار گلزمین شیراز گشته بودم و مقابر منور "سعدی و حافظ" را زیارت کرده بودم. یاد همه به خیر؛ و یاد "شیر یخ شیرازی" هم به خیر، که هنوز کنجهای دهانم را شیرین نگه میدارد!!!

برادر ارجمندم آقای "مجتبی" کامنت خود را وقف کارنامه بزرگوار محترم همه ما، جناب "ولی احمد نوری"، کرده از گردآوری لغات و اصطلاحات خاص فارسی ایران و معادلهای دری آنها به نکویی یاد کرده اند. ایشان ضمن پراگرافی علیحده و به شکل معترضه چنین مینگارند:

«به هر روی در این هفتاد سال عمرم، در هیچ کجا نشنیدم و در جایی نخواندم که برخی از هم میهنان من بخواهند زبان فارسی ایران را جایگزین زبان دری افغانستان کنند و یا گرایش به مخدوش کردن فرهنگ باستانی و دیرپای این کشور یا هویت فرهنگی آن داشته باشند....»
از این پراگراف معلوم میشود، که آن عزیز مقاله اخیرم را، که به «ابعاد نامکشوف "رهنورد زریاب" در ارتباط با "تهاجم فرهنگی ایران"» معنون گشته است، مطالعه کرده و متعجب گردیده اند، که کشور عزیز و متبوعشان ایران، "تهاجم فرهنگی" را در افغانستان به راه انداخته و اندرین راه سختکوشانه گام برمیدارد.

جهت معلومات آن عزیز نکات ذیل را عرضه کرده و از ایشان صمیمانه ولی مُجدّانه میخواهم، که به آرشیف مقالات "خلیل الله معروفی" در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" رجوع فرموده و تعدادی از مقالات مربوطه را از نظر مبارک خویش بگذرانند. مگر در هر صورت منتظر بمانند، تا مقالات جدیدی را در همین عرصه خاص عرضه بدارم!!!

۲ - نوشته دوست و برادر گرامیم، جناب "جان محمد جان"، را با ولع و اشتیاق تمام خواندم و آن هم بدین سبب، که به شخصیت علمی و ادبی ایشان از اعماق دل ارج میگزارم و میدانم، که ایشان مدام مستند و علمی مینگارند و از "گزرکردن هوائی" متنفر میباشند. در مورد "رهنمود املائی دری" سخن بسیار است؛ ولی در حالی، که به اکثر نکات پیشکش شده آن موافقم، نکاتی از آن برایم پذیرفتنی نیستند. و اندر همین نکته باید آن دوست عزیز را منتظر عرضه مقالات مفصل و جدیدی بسازم. عجالتاً به عرض میرسانم، که "جات" و "گان" ادات یا علامات جمع در زبان دری/فارسی نیستند!!!

در هر صورت از ابراز نظر این دو عزیز قلباً سپاسگزارم ولی بهتر است بگذاریم، که مقالات موعود چه گلی را به آب خواهند انداخت!!!
با محبتهای فراوان
خلیل الله معروفی

جرمنی - صبح ۲۵ دسمبر ۲۰۲۱

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 25.12.2021

بلی جناب عباسی صاحب!

ببینید استخباراتهای متعدد بیگانگان در افغانستان در رقابتیهای خویش یک ملت عظیم را در عدم همبستگی ملی هممیهنان بر باد نمودند، همه میدانند که هیچ کشور بیگانه و متجاوزین آن بر کشور و مردم مظلوم ما هیچنوع رحم نکرده اند.
هرگاه ما افغانها صادقانه مدعی وطن دوستی واقعی با کشور آبایی خویش باشیم، در قدم نخست ما باید برای حال و آینده کشور خویش مسولیت داریم، تا متحدانه برای کشور خود کار کنیم.
گذشته گذشت، هیچ انسان آگاه و با احساس درد ملی از مجرمین و خائنین در کشور دفاع نکرده و حلقه بگوش استخبارات دشمنان میهن خویش نمی شود. هدف من در نوشته ام در برابر مقاله حفیظه الله از کانادا تبریئه خائنین نیست بلکه انگشت گذاشتن بر ضرورت همبستگی ملی کهنیاز عاجل کنونی است.

خوب و بد حوادث گذشته میهن ما و شما همه ثبت تاریخ پر خون کشور ماست.

هرگاه واقعاً هم همه ما و شما حقیقت بین باشیم، امروز در پشروی چشمان همه ما فرزندان مظلوم سرزمین ما افغانستان از کرسنگی میمیرند، افغانستان جگرگوشهای خود را مانند امتعه در بازار می فروشند. اکنون دشنام زدن به ببرک کارمل و کا حی بی هیچ قدامت ندارد، این دشنامها درد این ملت بلاکشیده را دوا نمی کند. شعارهای لاف و گزاف وطن دوستی هم اکنون درد نمیخورند، بلکه کشور و مردم آن متحدانه با اعمال مؤثر نیاز دارد که کشور نجات یابد. بهتر است این عقده مندان انرژی خود را برای نجات میهن و هموطنان مظلوم خویش که اکنون بخاطر یک لقمه نان جان میدهند صرف نمایند. کجا اعتراض من تیرتیه کردن مجرمین و خائنین است.

شانناژ و دشنامهای افراد راه حل آن نیست.

بفرمائید همه مدعیان وطن دوستی نخست باید میهن خود را از نابودی کامل نجات بدهیم، دولت و حاکمیت ملی را در کشور بوجود بیاوریم، محاکم عادلانه و بیطرف باید در مورد تمام خائنین و مجرمین در کشور تصامیم قانونی بگیرند تا نظم و ثبات در کشور برقرار شود، و گذشته تکرار نشود.

آیا اکنون همبستگی ملی برای نجات کشور و جلوگیری از نابودی هموطنان ما و شما ضروری است و یا دشنام دادن به ببرک کارمل و کا حی بی و غیره؟

عباسی صاحب هر چه دلت مخواهند تپه بزن، مگر باتأسف این همه تپه زدن چندی ساله بر منتعقدین راه اصول زندگی باهمی ملی در کشور هم به رفع دردهای این ملت مظلوم هم کمک نمی کند

اسم: محمد عارف عباسی محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 24.12.2021

یک عده چارجیان دوران سیاه، ظلمانی، خون ریزی، تباهی بربادی و وطن فروشی ۱۴ سال پرورگان سازمان جاسوسی ک.ج.ب. آرزوی طی طریق در سایه اشتر نهضت تجدد خواهی دوران امانی دارند که آن را از خود دانسته و خیانت ها؛ جنایات و و گناهان کبیره شان را در برابر این ملت توجیه کنند.

به خطاه رفته اند و غلط پنداشته اند دانشمندان مطلع بر احوال وطن و جهان امروز قضاوت سالم خود را از هر دور تاریخ وطن دارند. این استفاده ابزری از نام و نیات پاک دیگران برگ درخت زیتون برای پوشاندن شرمگاه این قماش نیست.

شخصیت های وطن دوست، واقع بین دانای واقعیت های تاریخی عالمانه هر دوره پارینه را در پرتو عواقب و پیامد های آن در زندگی یک ملت و مملکت در کل بدون حب و بغض شخصی با حفظ احترام به جهات مفیدان مورد ارزیابی و قضاوت قرار می دهند و خوش بختانه خود را در تصنیف این تحلیل گر نه دیده و با آنها از هر لقبی که از قاموس کبیر کرملن زادگان بر ایشان اطلاق می گردد باکی ندارند.

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 24.12.2021

هو حقیظ الله خور لن !

ستا خوری او تریخی خبری حسابونه سره گدی و دی کړیدی.

په دری ژبه باندی یو خور متل دی چی وایی «گوز پارسال بیادی امسال». خنی خلک خپله حافظه له لاسه ورکړی د نورو سره د خصومت خبره لکه انټیک د خپلی حافظې په کڼدو کښی تل ساتی، مگر د خپلو و غلو او مردارو ته بیخی هیڅکله هم نه گوری.

جالبه خو دا ده چی ستا د ببرک کارمل ۴۲ کالو د مخه خبره ښه پوره په یاد دی، مگر دحامد کرزی د ۲۰ شلو کالو د مخه خبره دی بیگل د هیره تللی دی،

د ځینو افغانانو په خاص توگه لکه ته د حافظی لویه کمزوری مشکل هم دادی. چه و خپلو مردارو ته هیڅکله نه گوری. اشرارو وطن چور کړ، هواد او هیوادوال بی عزته کړل، مگر د نورو و هر حرکت ته په خرو سترگو کوری.

۱- هیواد پوځی وسایل چا چور کړی ؟

۲- د خلکو او بیت التمال شتمنی چا چور کړی؟

۳- رشوت، زوواکی په هیواد کښی چا رواج کړل؟

۴- افغانان د قامونو او مذهبونو تر نامه چا ویشل؟

۵- د افغانستان پر مقدسه خاوری باندی پاکستانی اغزن دیوال د کوم حکومت په وخت کښی جوړ شویدی؟

په افغانستان د «جهادی» تنظیمونه رهبرانو لخوا په لکه جنایاتونه شویدی. اشرارو د بیگانه په امر هیواد وران وران او تر مخکی لاندی معدنونه چور کړیدی، ولی یو تعداد افغانان لیکوالان و خپل خان و نیگرتیاو ته بیخی ته گوری.. خپل ټټو د بل تر دولدل هم ورته ښه ښکاری. ببرک کارمل ۴۲ کاله د مخه د شورویانو پر ټانک سپور کابل راغلی ؤ، مگر حامد جان کرزی تر کارمل وروسته شل کاله د مخه د امریکی پر طیاره سپور د امریکی د دفاع وزیر ، رامزفیلد، ناتو او د انگرزانو پوځیانو راوستلی دی، د ببرک کارمل او د حامد کرزی د راتگ فرق څه لری؟

«جهادی» رهبران د هیواد ټوله شتمنی غلا کړی، هغوی چی په هیواد د مخه گډ خر هم ندرلود، اوس د دوی د سرمایو او د بنگلو حساب د نری د ټولو مستوفیانو څخه ورک شویدی چی حسابونه یی هم نشی کولای دا ببرک او کرزی فرقونه دی.

ببرک کارمل لس کاله پاچا ؤ په ټول افغانستان کښی یو کور او حتی گور هم نلری، د کرزیانو او د «جهادی» رهبرانو به پیسو بانکونه ډک دی، د ډبی، او انقري کاروبار د دوی د غلاو په پیسو چلیری.

که چیری د افغانانو سره د ننگ او غیرت خبری وی، نو هغه حامد کرزی چی د خان د چوکی د رسیدو دپاره و طالبانو ته به یی تروریست وبل، د طالبانو د حکومت د چپه کولو لپاره یی امریکا او ناتو پوځیان هیواد ته راوستل، اوس بیا هم هغه حامد کرزی دی چی د خپلی هغی

چینی او قره قلی سره د طالبانو په امارت کښی په درواغو د ورورولی شعارونه ورکوی.

حامد کرزی د شلو کلونو په درشل کښی هیواد ته څه کرلی دی. کرزی د بیلیونو پیسو او ډالرو سره هرورځ به خپل خرو سترگو سره گوری چی په افغانستان کښی د گران هیواد مظلوم ماشومان د لوړی څخه مری. اوس کرزی او دده د «جهادی» ډلو رهبرانو یو بیچاره ماشوم ته هم یوه گوله ږودی نه ورکوی.

سناسی دا هوایی ډزی پخپله دا حقیقت ثابتوی چه خنی خودفروشه افغان لیکوالان د بهر هوسا ژوند، مفت خیراتی ډالر لیونیان کړیدی، اوس لکه لیونیان په نورو پسی خبری کوی او خپل خان یی ژر هیر کړیدی. په غربی هیوادو کښی لکه ته د خپل گپدی څخه داسی چټیات لیکي.

حفیظه الله خانه!
که شپه تیاره ده خو منی په شمار دی

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 24.12.2021

رشید دوستم گلیمجم!
دوستم د افغانستان د څلوېښت کلنۍ جگړو کښی د افغانستان د بیګناه هیوادوال قاتل او جنایتکار دی.
دوستم په ترکیه کښی خپل پخوانی د چپاولگر قوماندانان را ټول کړېدی، وایی چی دوی به د «دشت لیلی» به بیا تکرار کړو. د «دشت لیلی» پېښه کوم افتخار نه بلکه ښکاره بشری ضد جنایات دی چی د افغانی او اسلامی اصولو سره کاملاً خلاف دی. نړیوال باید ترکیبی ته خبرداری ورکړی چی په افغانستان کښی د جگړی لمنه وهلو ته په کلکه وغندی او مخنیوی وکړی، نور په افغانستان کښی د جگړی او وینې تویولو په کله مخنوی وکړی.
افغانان باید و دی توطیې ته په ډیر جدیت متوجه وی چی ترکان هم د افغانستان لپاره د پاکستانیان دوخی سیاست تګ لاره تعقیب وی..
دا پسله گوزه وهلو د چهار زانو معنی لری

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 23.12.2021

دوکتور محمد اکبر یوسفی "
"اخبارداری به ذبیح الله مجاهد

After reading the excellent topic and in-depth analytical article authored by Dr. Yousefi, printed in Ariana Afghanistan Online and addressed to Mullah Zabeehullah Mujahid. encouraged to make the following comments:

For long time, Mr. Mujahid has been a front-line representative of the Taliban media - written and audio - with repetition of two keywords of "Imaret" and "Imaret Islami/Islami Imaret" while his conversations and tweets are always related/about to Afghanistan. But he seldom mentions the name of Afghanistan.

Mr. Mujahid may not be aware, but in order to weaken the identity - read, the fact of being - of a nation, the first step is to subside the name.

اسم: محمد عارف عباسی محل سکونت: کالیفورنیا تاریخ: 23.12.2021

طفل شیر خوار گهواره نشین نادان واقعیت های تاریخی، انسان گنگس و گول چکچکی بی سند در سایت ا ج آ جفنگ می گوید که ارزش جواب ندارد و بحث با این گمراه کوبیدن سر به کوه خواجه صفا و بیهوده است.

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 23.12.2021

به مستعار نویس
اگر من در مورد قهرمان استقلال در معرکه تل و قهرمان نجات از بی ناموسان سقوی، کلام خود را به حدیث هم متکی بسازم در نظر خودت سطحیات است، لذا به زودی نظر فیلسوف و متفکر و شاعر بزرگ انقلابی مشرق زمین یعنی علامه داکتر اقبال را در مورد آن راد مرد بزرگ تاریخ معاصر، که غازی امان به قوت شمشیر و درایت نظامی او، سمبل استرداد استقلال شناخته میشود، بدست نشر خواهم سپرد.
اما در مورد شخص دومی باید به صراحت بگویم که من وظیفه ملی خود میدانم که جنایت کاران بزرگ تاریخ معاصر کشور را که ممکن در ردیف ارباب النوع شما باشند، مانند موش کبیر پنجشیر، روباه بزرگ هرات تورن اسمعیل نوکر و برده ایران، بحران الدین نوکر پوتین و پاکستان، سادیست بزرگ تاریخ کشور دوستم، نمرود زمان معلم عطاء، چوپه ببر کاغذی پنجشیر، برادران ببر کاغذی پنجشیر، یونس بی قانون، کلب الدین بی حیا، سیاف ملعون، کته سران افغان ملت، گیلانی های مهاجر توسط انگلیس، تواریش حسن شرق، حامد کرزی بچه خوانده جورج بش، مارشال بسم الله، مارشال قسیم فهیم درایور خاد و تمام امثال و اقران شان مورد شدید ترین خطاب های که سزاوار شان است مفتخر سازم و اندرین راه و منهاج نه از دشنام ها و توهینات کسی ترس دارم و نه همچو خس و خاشاک مانع مبارزه قلمی ملی ام خواهد شد، معاندین خود را اندرین راه در طول سالیان متمادی با منطق و استدلال خود خود خوار و زبون ساخته ام.

هتاکي و دو و دشنام و ترساندن تو و دیگران، دلیل زبونی و بیچارگی است.

اگر کسی را به شمول خودت، قدرت مصاف است، مضامین و نوشته های مرا طی تحلیل های علمی رد کنند.

خوشحال بابای کبیر میفرماید:
لا تر اوسه یی ماغزه په کرار ندی
چا چی ما سره سر وهلی سر په سنگ دی
دستت خلاص تا تاجکستانت و تا تهرانت.

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 23.12.2021

حکیمی محترم!
شما موضعگیریهای دشمنان عظمت طلب را که از مسیر جغرافیای افغانستان امروزی، بشمول سرزمین افغانها که در انطرف خط دیورند موقعیت دارند، درست متوجه نمی شوید، دشمنان در درازنای تاریخ جهان کوشیان کهین و جدید از آن سرزمین بحیث عبورگاه شهرها خود برای پیشبرد اهداف شوم عظمت طلبی شان از همین جغرافیای استفاده کرده و هنوز از آن سوی استفاده می کنند اعمال دشمن پچیذگی ندارد،

تروربزم پدیده مقابله سرمایه و وسیله دشمن است که با افغانها و تمام اقوام شریف ساکن آن بشمول پشتونها هیچ ارتباط ندارد. در سرزمین افغانها و اقوام پشتون آن تروریست وجود ندارند، در این سرزمین مقدس تروریستان عرب، چیچنی، تاجک، ازبک، از آسیای میانه و تندروان افراطی، پاکستانی پیروی مکتیب دوبندی، توسط اسخبارات دشمنان و نوکران اجیر آنان آگاهانه آورده شده است. اعمال دشمنان هویداست، دشمنان در مقابله برای دسترسی اهداف شوم خویش با جنگهای نیابتی آنرا ادامه میدهند، این جنایات متجاوزین هیچگاهی پیچیده نیست،

در این جنگ و خونریزی بیگناهان پیچیدگی وجود ندارد، بلکه عدم توازن قوا در آن وجود دارد، که شامل ارقام و کیفیت ماشین جنگی خرابکارانه میگردند.

آن چه مربوط پخش نشرات اجتماعی از قبیل فیسبوک است، غرب از آن بحیث وسیله تغییر مسیر افکار عامه کار میگیرند. فیسبوک و تعداد از نشرات دیگری اجتماعی بسیاری موضوعات را بدون استناد حوامع بشری را سرگرم بگهمیدارند، غرب در خارج از مرزهای خویش در تقرر نوکران احیر خود از افراد احمق چون عمران خان استفاده میکنند که همواره مانند، صیغت الله مجددی، برهان الدین ربانی، حامد کرزی، اشرف غنی و غیره شعبده بازان هستند که مورد تمسخر قرار میگیرند. شعبده بازان نوکر بیگانه اند که از اقوام شریف آن هیچ نمایندگی ندارد، بلکه با سواستفاده در قالب اقوام وظایف نوکرانه دشمنان را با این اشکال کثافات خائنه انجام میدهند.

نشرات اجتماعی وسیله دروغپرانی تمرکز سرمایه است، دارای منابع معین مالی و مصارفاتی، از بودیجه غرب بوده شایعات را تبلیغ مینمایند و خود تمویل میشوند.

مثال واضح و مستند آن استخدام حامد کرزی و دور پیشان آن بشمول بچه کاکای حامد کرزی برای احیای مجدد طالبان با مصارفات هنگفت غرب توسط سرپرستی زلمی خلیلزاد است. تصاویر مسند این اسناد این جنایات موجود است که متأسفانه نسب مشکلات تخنیکی در صفحه نظرخواهی این نشریه نشر شده نمیتواند

اسم: جان محمد محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 23.12.2021

جناب محترم معرفی صاحب!

سلامها و احتراماتم را بپذیرید. مقاله اخیر تان را که در مورد مرحوم اعظم رهنورد زریاب نوشته بودید، با علاقه مندی مرور کردم. من با شما موافق استم که مرحوم زریاب به صورت منظم و آگاهانه تلاش مینمود تا کلمات و اصطلاحات فارسی مروج در ایران را زیر نام زبان و فرهنگ مشترک میان افغانستان و ایران در زبان دری ترویج نماید. اگرچه تلاشهای موصوف تا حدی موفقیت در پی داشت و عده بی از جوانان ما، بدون درک کامل از موضوع، تجویزهای موصوف را در عمل پیاده کردند و هنوز هم از اصطلاحات مروج در ایران به جای کلمات معمول در زبان دری استفاده میکنند، اما بعید است که در دراز مدت این کلمات همه گیر شده، جای کلمات مروج در دری را بگیرند. البته بدون شک جد و جهد شما هم از طریق نوشتن مقالات مفصل پیرامون این موضوع در خنثی سازی تلاشهای منظم و هماهنگ شده توسط حلقات خاص بیرونی و داخلی همیشه مثمر و تأثیر گذار بوده اند و من به خاطر زحمات و سعی مداوم تان در این راستا قلباً از شما اظهار امتنان میکنم.

جناب معرفی صاحب! نکته دیگر این که شما در مقاله تان به چند نکته در مورد فارسی سازی زبان دری توسط مرحوم زریاب اشاره کرده اید. ضمن نکات یادآوری شده، شما نوشته اید که مرحوم زریاب میخواست شیوه غلط املائی را که توسط اتحادیه نویسندگان خلق و پرچم تجویز شده بود، از طریق تلویزیون طلوع ترویج کند. با عرض معذرت که من در این مورد با شما هم نظر نیستم زیرا با وجودی که مرحوم زریاب شامل هیئتی بود که رساله روش املائی زبان دری را تصویب نمود، اما مقالات و خبرهای منتشر شده توسط تلویزیون طلوع با شیوه املائی تجویز شده توسط اتحادیه نویسندگان وقت تفاوت فاحش دارد. به صورت کل، تلویزیون طلوع از همان شیوه املائی که در ایران مروج است، استفاده کرده و میکند، چون با پلان فارسی سازی دری مطابقت دارد. هدف تلویزیون طلوع همیشه این بوده است که نه تنها از طریق ترویج کلمات، بلکه از طریق تحمیل شیوه املائی مروج در فارسی ایران هم از دری فارسی بسازد.

به نظرم، بهتر است ما افغانها از شیوه بی که توسط دانشمندان کشور خود ما تجویز شده است، استفاده کنیم زیرا برتریهای زیادی بر شیوه های املائی تجویز شده در ایران دارد. مثلاً، همین رساله روش املائی زبان دری ما شاید دارای نواقصی باشد، اما با وجود کاستیها به مراتب از رهنمودهای املائی که توسط فرهنگستان ایران تجویز شده و میشوند، بهتر است. البته من سالها قبل در مورد رساله املائی زبان دری بحث مختصری با شما داشتم و شما دارای نظر متفاوتی استید، اما عجلتاً این رساله میتواند رهنمود خوبی برای همگون سازی املائی میان گوینده گان زبان دری باشد.

با عرض احترام!

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 23.12.2021

"رئیس

ما و پشتون ها

واقعیت این است که جامعه پشتون برای سایر اقوام پیچیده و نا شناخته باقی مانده است. هیچ کسی در میان منتقدین جامعه پشتون پیدا نمی شود که پیچیدگیهای اجتماعی و فرهنگی این مردم را بدانند. اما نا آگاهانه حکم صادر می کنند که تمام پشتون ها، تروریست، فاشیست، ضد زن و آزادی

استند. ... تمام جامعه پشتون اینگونه نیست که عمران خان و فیسبوک

بازان می گویند: "

The above is a quotation copied from AGO and have decided to make the following comment

حکیمی کسیت که به هیچ صورت از پیشداوری غیر مؤثق خود قلم کوتاهی نمیکند، وقتی هم از وی به یک گفتمان راستی علنی دعوت میشود با بهانه جویی تصنعی پناه میبرد.

حکیمی با بسیار پروئی بدون استناد بر دیگران اتهام می بندد و از دل خود بزبان انگلیسی گز و پل میکند.

حکیمی با سبک سری و پروئی میگوید:

« هیچ کسی در میان منتقدین جامعه پشتون پیدا نمی شوند که پیچیدگی های اجتماعی، و فرهنگی این مردم را بدانند.»

آقا!

پشتونها بخشی قدیمی از جامعه بشری اند نه مانند خودت هم دیروز تولد شده است که اسمای شانرا دیگران و فال بینان استخبارات بیگانه بگذارند.

آقا حکیمی !

مدعی العلوم، تعصبات راسیستی خود در جیب بالای تان نگهدارید. از تعرض علیه اقوام پشتون و سایر کتله های انسانی جداً خودداری کنید. گرچه یک و دو بار دیگر شما به کلان کاری های تان ادعاهای مزخرف را نوشته بودید برای تان جواب دادیم، مگر وقتی خود شما در بحث مستند روی در روی تقاضا شد خود را پنهان نمودید، ورنه پشتون و سایر اهل قلم ناکزیر خواهند شد، تا به خودت جوابات تند تر را بنویسند. که افشای شما در این نشریه معتدل ملیگرا را برهم خواهند خورد.

گوش کن حکیمی از خود حلیم نه ساز!

هر کتله جامعه بشری که دارای ساختار اجتماعی و فرهنگی باشد، در آن انسانهای دارای مغز و تفکر موجود است تا از هر بیرونی کلان گپ و لافوک دیگر مانند خودت از جامعه خود را آگاهی سالم، عینی داشته و ماحول خود را خوب می شناسند، جامعه پشتونها متفکرین فراوان داشته، دارد و خواهد داشت. یک مثال شش قرن گذشته کافی است. جامعه پشتونها در قرن پانزدهم میلادی عالم و دانشمند، مبارز مانند پیر بابیزید رویشان را در بطن خود پرورش داده بود که براساس علوم تصوف در محکمه نواسه مغل در کابل بدون وکیل از خود و از حقوق اقوام پشتون در برابر متجاوزین مغل دفاع عالمانه و جانانه کردند، تا استعمارچیان بابر او را از زندان رها کردند. بزرگان و دانشمندان اقوام پشتون مانند سایر اجتماعات انسانی بشری دارای دانشمندان و منتقدین ورزیده هستند.

دانشمندان آگاه هیچگاهی مانند خودت هوایی و بی هدف فیر بر دیگران تعرض نمی کنند. این برداشتهای برتری جویانه اقوام کتله های اجتماعی کاملاً احمقانه است، اگر کسی با افکار منحط راسیستی مانند خودت تصور کنند که گویا منتقدین پشتون از فرهنگ خود آگاهی ندارد حماقت بیش نیست.

آقای مومند در نوشته های خود به همه، یعنی اشخاص مرده و زنده، " احمق، آوباش، جاهیل، نوکر خطاب می کند و هزار بی حرمتی و الفاظ نهایت لهو و لعب را نصیب شان می کند و شخصی بالایش انگشت انتقاد را بلند نکرد، حالا که درد بی احترامی را حس کرده فغانش برآمده. آقای محترم هیچ نویسنده در سایت آریانا افغانستان مانند شما به کسی بی احترامی نکرده. ضرب المثل معروف داریم " کور خود بینای مردم " یکبار گذشته خود را هم مرور کن، که کی بودی و کی هستی. ما همه میدانیم که شخص شما کی است. در دنیای تکنولوژی امروز، هیچ چیز پنهان نیست.... انشالله که از این درس خوب کسب کرده باشید تا کی زنده استین به کسی یا مرده یا زنده بی احترامی نکنید.

خدمت انجنیر صاحب قیس جان کبیر مالک سایت افغان جرمن!

وجیزه پر مفهوم مردم ماست که: «در شهر کور ها یک چشمه پادشاه است»

زمانیکه لهو و لعب، هتاک، دو و دشنام و تعرض بر شخصیت یک انسان را بطور مکرر و متواتر در دریچه سایت شما میبینم، و این بی حرمتی و بد زبانی و استعمال الفاظ و کلمات مستهجن و رکیک و نهایت بازاری را، با تبصره ها و جواب های خودت مقایسه میکنم به فکر وجیزه فوق الذکر افتاده، که خوشبختانه حد اقل خودت سواد و اخلاق آن را داری که به اصطلاح مردم ما از پاچه نمی کشی، مثلاً به خود حق میدهند که به جناب شما دستور دهد که به «به داود مومند جواب های دندان شکن بدهید تا او انسان شود»

آیا جواب های تند و زهر آگین و تخریش کننده و شخصیت کشی، معیار انسانیت است؟

شاعری و دور سفته و نغز گفته است که:

بر ما خطاء گرفتن از کیش شرم دور است

از عیب کس نبیند تا بی حیاء نباشد

با هرکه هرچه گویی، سنجیده بایدت گفت

تا کفه وقارت پا در هوا نباشد

گرامی ام قیس جان کبیر! به نظر شما چقدر منطقی، اخلاقی و عقلانی خواهد بود که با شخص یا اشخاص نقاب پوشی که شهادت معرفی

هویت و شخصیت خود را به حیث یک انسان نورمال و عادی نداشته باشد، و در اختفاء برقع سیاه، به سویت سنگ پرانی نمایند، داخل مشاجره و یا منطقه گردید؟

درین میان کدام طرف بز دل و جیون و بی غیرت و بی شهامت شناخته میشود؟
شخصی برقع پوش هتاک نا شناس؟ یا طرف مقابل که هویت و شخصیتش به همه روشن و آفتابی است؟
شما به حیث مالک و مدیر مسئول یک ویب سایت کلان و کبیر و آدم تعلیم یافته چه فکر میکنید؟
تشکر از تنویر اخلاقی و عقلانی تان.

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 22.12.2021

د وطنوال شاغلی کریم جان د توجه ورا!

تاسی د دسمبر د میاشت په دولسم تاریخ زما عنوانی لیکلی دی:

«خدمت مومند صاحب عرض کنم که زمان ژوند ژوند تبارسی ولاریسی گذشته، این حرف در گوش ما (لطفاً بفهمائید که ما) کیانند- مومند) به همان اندازه بد میخورد که اگر بشنویم دانشگاه، واکنش، چالش، و یژه و غیره.»
روکیه کریم جان! پوه نسوم چی ستاسی مبارک، ستونزه د پورتنیو کلماتو د استعمال سره څه ده او درد مو له کومه ځایه سرچینه اخلی، علل او عوامل یی څه دی؟
ستاسی د توضیح څخه وروسته به، زما منطق ته غور کیردی.
منه

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 22.12.2021

رئیس
ما و پشتون ها
واقعیت این است که جامعه پشتون برای سایر اقوام پیچیده و نا شناخته باقی مانده است. هیچ کسی در میان منتقدین جامعه پشتون پیدا نمی شود که پیچیدگیهای اجتماعی و فرهنگی این مردم را بدانند. اما نا آگاهانه حکم صادر می کنند که تمام پشتون ها، تروریست، فاشیست، ضد زن و آزادی استند. ... تمام جامعه پشتون اینگونه نیست که عمران خان و فیسبک "بازان می گویند"

The above is a quotation copied from AGO and have decided to make the following comment.

Let's face and accept that there is a fundamental societal flaw within Afghanistan that spread and pervasive over all ethnic groups and in my opinion the main reason for backwardness and to a degree the cause of current crisis:

Afghanistan is group society branching out into numerous subgroups. Within such structured society decisions are made, concepts are analyzed, and interests are preserved and safeguarded solely based on herds mentality. For instance, late Commander Massoud and late Mullah Omar both established a name for themselves and suddenly as a hole the people of Panjshir and all Mullahs became then and become now the most qualified to run nation-wide affairs of Afghanistan. The first casualty of such nonanalytical group process and herd-based mentality, was/is the appointments of incompetence authorities in the absence of basic merits.

Unless work to be done in order to spread and enforce even forcefully if one has to, the concept of individualism, Afghanistan will quite likely remain the same for the Foreseeable future and may even get worst.

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 22.12.2021

افغان پښتنو میرنی ځلمیان یو ځل بیا د پاکستان اغزن دیوال په سپین بولدک کښی لری کړل ، دا پورتنی رښتنی افغان پښتانه دی، کوم چی د آی. آس. آی او د افغان پخوانی گوداگیان د اغزن دیوال زنځیر یی له خپل مقدس تاتوبی څخه د کندهار ولایت د سپین بولدک کښی لری غورځولی دی او لکه زمریان پر نره د مقابل په ډگر کښی ولار دی، کله چی پاکستان د افغانستان پر مقدسه خاوره باندی خپل اغزن دیوال جوړول نو گیدره حامد کرزی او چغال اشرف غنی، د آی نوکر گلبدین چوپه خوله کتل، دا گوداگیان به د پاکستانی استخباراتو ته د اگریز پاکستان ته به د مسلمان ورور شعرونه ورول، د افغان د اولس د خطا ایستلو دپاره به دری وارو د کیدرو، او چغلانو اتنونه کول
اوس د ټولو بدمرغیو سره سره بیا خدای داسی ورځ راوستلی دی چی انشاءالله د پاکستان د آی اس آی او گوداگیانو د مور اغزن دیوال ورک شی.

پدی ملی داعیه کښی د لر او بر د پښتنو یوالی او لوړ همت ډیر ضروری دی.

موږ یرغ د پښتنو د لر بر و ځلمیانو ته درخواست دادی چی ځان پدی خبره ښه پوه کړی چی د پاکستان اگریزی آئین د پښتنو د حقوق د ورکولو لپاره ندی، بلکی د پاکستان انگریزی آئین د د افغانانو د وطن د ورنولو، د افغان پښتنو د قبائلو سیمو د د پښتنو د ټکولو د پاره دی چی پښتانه او له حقونه څخه محروم کول دی.

پاکستان ته ریاست د کلمی ویل غلط دی، ځنی پښتانه ځوانان دا کلمه په خبرو کښی یادوی لویه اشتباه ده، پاکستان ریاست ندی، پاکستان د آی. اس. د کرنیالانو غوڅله ده چی یواځی د بنجابیانو گټی ساتی.

پنجابیان تلاش کوی چی په پښتنو هم د پنجاب د نوکری د پاره غلام لکه سوډر عمراخان پ خپل نوکری و گماری چی خپلی خبری هم نده زده، د پښتنو په منځ د پنجاب د غلامان لکه عمران، حمیدگل، مولانا فضل رحمان او د نور گوداگیان مخونه دی تل د پاره تور وی

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 22.12.2021

تخطی اخلاقی فرزند حضرت فاروق اعظم علیه اسلام.

حضرت فاروق اعظم نه تنها عادل ترین زعیم تاریخ عالم اسلام شمرده میشود، بلکه اگر اشتباه نکرده باشم یکی از عادل ترین زعیم تاریخ بشریت در عهد و زمان خود بوده است، اگر مؤرخین زعیم عادل تری را معرفت دارند از روی لطف مرا تنویر فرمائید و منت گزارند.

به استناد روایات تاریخی، قبل از به اسلام مشرف شدن فاروق اعظم، در وقت اداء نماز، آذان از ترس دشمنان اسلام به صورت خفیه خوانده میشد، اما وقتی که فاروق اعظم به کیش اسلام گرائید، مسلمانان بار اول جرئت یافتند که آذان را به صورت جهر بخوانند.

منظور اینکه حضرت فاروق یک شخصیت نهایت با شهامت و پر قدرت بود.

عدالت حضرت عمر درین است که هر حکم و فیصله او مطابق به اوامر و نواهی شریعت بود، نه متکی به نظر شخصی خودش.

باری پسر فاروق اعظم مرتکب عمل زنا گردید، پدرش حضرت فاروق اعظم مطابق به شریعت اسلامی امر فرمودند که در موردش حد شرعی عملی گردد.

قابل یاد آوری است که پسر حضرت فاروق اعظم هم از حدود و مجازات و عقوبت شرع خبر داشت و هم از عدالت پدرش متکی بر تعمیم احکام شریعت اسلامی، به عبارت دیگر او میدانست که حضرت فاروق اعظم در مورد مجازاتش از احکام شریعت اسلامی عدول نخواهد کرد، ولی موصوف تحت تأثیر غریزه فطری و ضعف فطرت انسان در همچو موارد با قبول خطر مرگ، به عمل زنا دست زد.

پسر حضرت فاروق اعظم قبل از تکمیل دره های پیش بینی شده شرعی، بمرد، کسانی که مسئول دره زنی بودند به حضرت فاروق اعظم عرض حال نمودند، حضرت فاروق اعظم امر نمود ولو که او مرده است ولی دره های شرعی باید تکمیل گردد.

اکنون ممکن است تصور کرد که حضرت فاروق اعظم در قسمت تربیت سالم فرزند خود از بی اعتنایی کار گرفته بود؟

ایا ممکن است تصور نمود که پسر فاروق اعظم از حکم شریعت خبر نداشت؟

ایا ممکن است تصور نمود که پسر فاروق اعظم به این تصور بود که پدرش او را مجازات نخواهد نمود لذا به این عمل دست زد؟

هرگز و ابدا نه

تصور همچو تصورات، دلیل جهالت و نادانی و حماقت یک شخص خواهد بود.

اگر فرزند حضرت فاروق اعظم جلو وسوسه غریزی و ضعف فطری خلقت بشر را گرفته نتوانست، کسی ادعا کرده میتواند که وی از بطن مادر ملک آسمانی خلق شده است؟

زیرا در مورد اجتناب از وسوسه های غریزی که در فطرت و طبیعت انسان نهفته است، مسئله از دو حالت خالی نیست، بدین معنی که:

یک- انسان ملک و فرشته مادر زاد است.

دو- و یا اینکه یک شخص به اصطلاح ایزک مادر زاد است.

ایا ممکن است یک جوان در طول حیات خود به اصطلاح چشم چرانی نکرده باشد؟

ایا ممکن است یک جوان در عمر خود حتی یک دختر را آزار نداده باشد؟

ایا ممکن است یک جوان در طول حیات پشت دختری را نگرفته باشد که عاشقش است؟

ایا ممکن است یک جوان از معیار های عنعنوی اخلاقی عدول نکرده باشد؟

ایا ممکن است یک جوان در دسترسی به شراب مفت که قاضی هم خورده است، لب تر نکرده باشد.

جواب صادقانه و وجدانی سوالات فوق الذکر را میتوان در دو «اصل» فوق الذکر تدارک نمود.

ضرب المثل معروف مردم ماست که «هیچ کدو فاقد چوبک نیست»

این مربوط به ضمیر و وجدان ماست که در مورد خود چگونه قضاوت میکنیم و در مورد دیگران چگونه؟

ایا ما این شرافت و نجابت و صداقت را در خود سراغ داریم که معیار قضاوت ما در قسمت دیگران همان معیاری باشد که در مورد خود به حیث یک محک بکار میبریم؟

خداوند ما را از منافقت، ریا و دو رویی در حفظ و امان خود نگه دارد، خداوند ما را در روز حشر، از گروه منافقان و شیادان دغل باز و بی حرمتان دور نگه داشته باشد.

اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

آمین

اسم: خلیل الله معروفی **محل سکونت:** جرمنی **تاریخ:** 21.12.2021

تصحیح "زیر" به "پیش" در مقاله اخیرم!!!

ساعت ۲۱ شب ۲۱ دسمبر ۲۰۲۱ است و همین لحظه کمپیوتر را چالان کردم و مقاله اخیرم را در صدر صفحه وبسایت معزز "آریانا افغانستان آنلاین" یافتم. من همیشه عادت دارم، که مقالاتم را به مجرد نشر شدن، مرور کنم و باری از نظر خریداری بخوانم. عادت بمرگم مگر چنان گشته است، که بعض اغلاط تایپی و یا املائی را وقتی متوجه میشوم، که به اصطلاح دیر شده و روی صفحه وبسایتها جای گرفته است. در هر حال با تعجب دریافتم، که در اثنای اعرابگذاری اشتباهی از قلم سر زده است، که بدین وسیله به اصلاحش میپردازم:

در صفحه اول مقاله کلمه دری/فارسی "نشخوار" به کار رفته و از قضاء در اعرابگذاری اشتباهی از قلم بدقلم سر زده است، بدین معنی: "نشخوار" کلمه ترکیبی دری و مرکب از "نوش" و "خوار" است، که به مرور زمان "واو" کلمه "نوش" ساقط شده و "ضمه" جانشینش گشته است. پس حرکت حرف اول این کلمه "ضمه" و یا "پیش" است، که اشتباهاً در هیئت "کسره" یا "زیر" تایپ شده است. جهت معلومات خوانندگان عزیز و متشبت یادآوری میکنم، که همین کلمه در "فرهنگ عمید"، غلط آورده شده است. فرهنگ بس مشهور "عمید" این لغت را غلط ثبت کرده و حرکت اولش را "کسره" آورده است. به یاد دارم، که ضمن یکی از مقالاتم بر همین اشتباه "فرهنگ عمید" ایراد گرفته بودم؛ و حالا میبینم، که خودم هم عین اشتباه را مرتکب گشته ام.

عجالتاً این نکته را ضمن همین کامنت تصحیح میکنم و وعده میسپارم، که مقاله را تصحیح کرده و دوباره به اداره محترم "آریانا افغانستان آنلاین" بفرستم، تا با قبول زحمت مجدد، به جای مقاله فعلی انداخته شود.

با عرض معذرت و با تقدیم محبت فراوان به خوانندگان عزیز او په درناوی خلیل معروفی

اسم: مجتبی ا. **محل سکونت:** ایران **تاریخ:** 21.12.2021

برادر ارجمند آقای ولی احمدی نوری
درود بر شما

به کوشش و تلاش ارزشمند شما در گردآوری واژه های دری و برابر نهاده های آنها در زبان فارسی ایرانی برای زنده نگهداشتن و شناساندن آنها به فارسی زبانان، پژوهشگران فرهنگ و تاریخ بشری در سرتاسر جهان ارج می نهم و صمیمانه خسته نباشید (یا به گفته همشهری های خود و شما " مانده نباشید " می گویم. از دیدن و خواندن این واژه ها بسیار خرسند شدم و بهره بردم.

اهل خراسان و زاده شهر نیشابور هستم. به مدت 25 سال ویراستار ادبی یک نشریه علمی-پژوهشی بودم و سالها با تنی چند از استادان، متخصصان و کارشناسان در زمینه نگارش دانشنامه یا انسیکلوپدیا به زبان فارسی اصیل همکاری داشته ام. در این سالها کوشش زیادی در زمینه گردآوری ریشه های واژه های فارسی در سده های گذشته (که بخشی از آن در زبان دری بوده است)، داشته ام. در این رهگذر برخی از واژه های به کار برده شده در گویش مردم نیشابور را گردآوری کرده ام که به گمانم به زبان دری نزدیک است، اگر نتوان آن را زبان دری دانست.

به هر روی در این هفتاد سال عمرم، در هیچ کجا نشنیدم و درجایی نخواندم که برخی از هم میهنان من بخواهند زبان فارسی ایران را جایگزین زبان دری افغانستان کنند و یا گرایش به مخدوش کردن فرهنگ باستانی و دیرپای این کشور یا هویت فرهنگی آن داشته باشند ... ولی بسیار شنیده و خوانده ام که مردم ایران و افغانستان مشترکات فرهنگی (زبان، دین، نژاد، ویژگی های جمعیت شناختی...) و پیشینه تاریخی فراوانی دارند که هیچ کشوری این چنین نیست و این علایق مشترک را برای خود بسیار سودمند و دارای ارزش می دانیم.

با آرزوی تندرستی، سرافرازی و موفقیت شما در پیشبرد هدف بزرگ و پراجی که در پیش دارید .

مجتبی ا.

اسم: کریم جان محل سکونت: کابل تاریخ: 21.12.2021

سلام و عرض ادب،

اولاً ابراز تشکری از راکین وبسایت نسبت نشر مطالب بسیار عالی و آموزنده.

ثانیاً خدمت مؤمند صایب عرض کنم که زمان ژوند، ژوند، ژوند، تیاری و ولاری دیگر گذشته، این حرف ها در گوش ما به همان اندازه بد میخورد که اگر بشنوم دانشگاه، واکنش، چالش، ویژه و امثالش.

ثالثاً تشکر از جناب معروفی صایب جهت معرفی رهنورد زریاب، من نمیدانستم که وی نشرات تلویزیون طلوع را کنترل و اصلاح میکرد.

در اوسط سال 2006 من به گوش خود این جمله را از تلویزیون طلوع شنیده ام: «امروز دو موشک شلیک گردیده و در پارک شهرنو کابل فرود آمدند. شهروندان کابل چرخ بالهای ارتش ملی را برای بررسی از رویداد در هوا مشاهده کرده اند.»

با شنیدن این جمله من رو به مهمان خود کرده و بلافاصله گفتم: این نطق چی گ.... میخورد.

در آنوقت من بعد از 25 سال دوباره به کابل برگشته بودم، از تهاجم فرهنگی ایران، نفرت و خصم درونی یک قوم در برابر قوم دیگر اصلاً چیزی نمیدانستم. آهسته آهسته درک کردم که افغانستان به قهقرا روان است.

تلخ ترین تجربه من در سال 2006 در یک ملاقات در وزارت خارجه افغانستان با آقای مرادیان بود که از انگلستان تشریف آورده بودند و بحیث مشاور آقای سینتا وزیر خارجه آن وقت اجرای وظیفه مینمودند. وقتی من داخل اطاق این شخص شدم، این آقا با پاهای گذاشته روی میز با من با یک لهجه کاملاً ایرانی داخل صحبت شد. در حیرت فرو رفتم و با خود گفتم ما چطور بتوانیم با اینهمه چهار پاهای که هنوز لسان خود و چی رسا آداب معاشرت را بلد نیستند جامعه خود را بسازیم، هیچ ممکن نیست.

با احترام

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 21.12.2021

جناب محترم حکیمی سلام!

با وجود آنکه تصمیم گرفته بودم که در مناقشه با شما وقت ضایع نشود. اما از شما خواهش است، تا هنر درک و شیوه تشخیص حقایق را از قبول پیشداوری ها در نظر بگیرید. با احترام، یوسفی

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 21.12.2021

اگران مومند صاحب "

سلام او احترام و راندی کوم. درست دی چی ستاسی په لیکنه کبئی د تابعیت کلمه نسته. که زما متن مو لوستی وی، زما اشاره د همدی « اجداد مهاجر بغدادی اش...» افادی په " اړوند تحریک سوی او ما ته پخوانی تبعه او نوی تبعه فرق نلری

Indeed, it does: When an entity was brought in politically from abroad and placed to be privileged and superior permanently than all natives people combined, the inequality line at the tremendous cost to natives already drawn ought to be reversed.

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 21.12.2021

گران مومند صاحب!

سلام او احترام و راندي كوم. درست دى چى ستاسى په ليكنه كښى د تابعيت كلمه نسته. كه زما متن مو لوستى وي، زما اشاره د همدى « اجداد مهاجر بغدادى اش...» افادى په اړوند تحريك سوى او ما ته پخوانى تبعه او نوى تبعه فرق نلري. كيداي سى چى دا اشاره بومى مسكونينو ته د يوه پاملرنى په توگه غلط تعبير سى او د پردى كينه تحريك سى او د تبعيض سبب هم و گرځي. په درناوى، يوسفى.

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ايالات تاريخ: 21.12.2021

جهانى صاحب ستاسى د زيرى نه يوه نړى مننه ژوند، ژوند، ژوند

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ايالات تاريخ: 21.12.2021

پياوړى او منلى داکتر صاحب يوسفى

زما احترامات ومنى

ستاسى تذکر او يادونه په سر سترگو قبول، خو د ميرمن فاطمه جان گيلانى يا احدى ليکنى ته بېرته ولاړم چى د تابعيت برخه چى تاسى څه فرمايلى وه وگورم، متأسفانه به دغه ليکنه کى مى د تابعيت به ارتباط څه ونه ميندل. زه په اصطلاح يو (هفته قام) سړى يم، د لطف له مخى ما تنوير کړي چى کومه جمله يا پاراگراف د تابعيت په اړه ليکل سوى. ستاسى د تنوير نه مننه او پر مخ مو کلونه

اسم: Aref Abassi محل سکونت: کليفورنيا تاريخ: 20.12.2021

يکى از ياهو سرايان سايت رسواى افغان جرمن آنلاين يک سطحى نگر نا آگاه در آميخته در صفوف دشمنان خاندان شاهى افغانستان به نام مستعار «کاکر» نوشت که يک شب در حضور خودش در يک "دسکو" شهزاده نادر پسر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بر يک توريست تجاوز کرد که من در مورد چنين نوشتم. که البته آخرين اين نوشته در تحليل ها کوچاندند اختيار دارند(نوشته من در آن پورتال خواهد بود). (اگر اداره محترم آريانا افغانستان آنلاين اين نوشته را به بخش مقالات ببرند مختار اند)

کاکر صاحب!

در هر خانواده على لرغم داشتن بهترين والدين خوب و بدى و اهل و ناهلى وجود دارد. شور و شعف جوانى، هوس ها و خواسته هاى سرکش آن سن و سال آن زنجير شکن قيودات و محدوديت ها و تشريفات و تعارفات است بوده که بعضاً به نحو نامطلوب خلاف توقع پدر و مادر تبارز کرده. بايد اعتراف کرد که در کتاب خاطرات مخفى جوانى هر کدام داستان هاى درج است که بازگو کردن آن مايه شرمسارى و خجلت است که حالا شهامت تذکر آن نيست و تا ابد جزء اسرار مى ماند

اما زندگى شهزاده نادر را مطرح بحث ساختن و روى آن تبصره کردن که در حال که او در روزگار کنونى وطن هيچ نوع نقشى ندارد وبه حيث يک تبعه عادى کشور در گوشه زيست دارد از لحاظ سياسى و تاريخى داراى هيچ گونه اهميتى نيست حزاينکه براى مفتنين حرفوى منطقوى مضمون بيافريدن سودى ندارد. اگر براى تبارز عداوت عميق و خصومت عطش خون آشامى يزيدي بر عليه يک قوم، يک خانواده تبليغ مى کنيد، شايد اين جنون عداوت براى دل خوشى خود بالاي سگ و پشک شان بنويسيد. و ياخود در جمله بيماران روانى با خود حرف بزنيد و چتيايت گوييد کسانى که واقعيت را دانسته اند نوشته شما و امثال شما بر احترام شان به اعلیحضرت غازى محمد نادر شاه ناجى و معمار افغانستان و فرزند برومند واقع بين اصلاح طلب و بهبود آور مملکت مى افزايد.

کاکر! معلوم است که خود در آن ديسکو تشريف داشتى اگر دسکو رفتن را بد اخلاقى مى دانيد خود هم متصف به آن صفت ايدو به يقين گفته مى توانم که افسانه تجاوز نادر را بر توريست جعلى و افتراح محض است و دروغ مى گويى ورنه در آن زمان اين موضوع شعار مظاهرات هم رزمانت مى شد..

احسان الله فرزند امان الله خان که در ايتاليا کلان شده دسکو نه رفته. هندیه دخترش با کى ازدواج و کجا رفته بود موضوعات شخصى شان بوده و من به خود حق تبصره نمى دهم.

آيا شما شهامت آن داريد داريد که از اعمال و کردار هاى بچگى تان با ذکر نام اصلى تان بنويسيد.

اگر به جزئيات زندگى خصوصى متقدمان بروم من داستان هاى عجيب واقعى از عياشى ها و بى بند و بارى هاى جوانان چه که از کلان سالان خانواده ها به رويت اسناد دارم که تقواى مسلکى اجازه نشر نمى دهد.

اصلاً مقايسه اولاد مرحوم اعيحضرت محمد ظاهر شاه با اولاد امير امان خان الله يک بحث مبتذل، طفلانه و مظهر کوتاه نظرى و بيگانگى با عقل و خرد بوده که نوشت و خاموش ماند و با فتنه گى ديگرا بى عقل را اشت کرد. حتى احمقانه بود.

هوشيار شويد و بيدار و آگاه از اين ياهو سرايى هاى بى مفهوم و عارى از هرگونه سود و مفيديت دست برداريد.

اگر احساسى دارى و وجدانى حال امروز وطن را در نظر گير و ادائى مسؤوليت نما اگر نوکر اجنبى نيبى و اولاد صادق اين ميهنى.

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ايالات تاريخ: 20.12.2021

سؤال مطروحه دپلوم انجنير صاحب قيس جان کبير!

انجنير صاحب قيس جان کبير در مورد اولاد دو شاه مخلوع کشور، بدون توضيحات تاريخى و وجوه متضاد و مثبت و منفى و يک مقايسه همه جانبه و معلومات ثقه در مورد گفتار و کردار پسران دو شاه مرحوم، صرف و تنها روى يگ گپ که پسران يک شاه در ناز و نعمت و از شاه ديگرى در مهاجرت و غربت از وطن بزرگ شدند، مينويسند: «نام پدر را کى بالا برد و کى به زمين زد؟»

متأسفانه انجنير صاحب قيس جان به حيث يک دانشمند ذوالفنون «امام غزالى ميگويد، هر ذيفنى بر من غالب آمد و بر هر ذولفونى غالب آمد» توضيح ننموده و مدلل نساخته اند که روى چه دلايلى پسران يک شاه نام پدر را بالا برد و از ديگرى به زمين زد؟

پسر ارشد غازى امان الله در ايران کار ميکرد تا که تقاعد نمود، و مصدر کدام خدمت بزرگى نگرديد که نام غازى امان را بالا برده باشد، به عبارت ديگر يک انسان خوب ولى عادى بود، نميدام که شهزاده رحمت الله جان چه کار فوق العاده انجام داده که ما خبر نداريم و نشنيديم ولى قيس جان کبير از آن اطلاع دارد؟

یکی از دختران غازی امان الله با یک ایرانی ازدواج کرد که غازی امان الله طرفدار این ازدواج بود، در زمان رضاء شاه چوپه، استاد خلیلی به ایران رفته بود و شاه چوپه او را دعوت نموده ضمن دعوت دختر امان الله خان را نیز خواسته تا در حضور استاد خلیلی رقص نماید، رضاء شاه چوپه برای تعجیز خلیلی گفت که این دختر شاه امان الله است، خلیلی با شنیدن این گپ از جا بر خواسته و گفت که این دختر بادر ماست، دختر را در آغوش گرفت و بوسید، این جریان را از زبان معتصم بالله خلیلی پسر استاد خلیلی بالغ بر پنجاه سال قبل شنیده ام. پسران محمد ظاهر شاه نا به مقام های وزارت و سفارت رسیده اند و نه مانند وزیر دو سره صدارت والاحضرت سردار صاحب داوود خان یعنی وزیر داخله و عدلیه حکومت سردار، مرتکب کدام جنایتی شده اند بدین مفهوم که مطابق به ادعای چند سال پیش مبارز بزرگ، استاد هاشمیان در سایت افغان جرمن، این وزیر بی ناموس زمانیکه مدیر لیسه حبیبیه بود به یک متعلم مکتب، تجاوز جنسی نمود که بعد از عرض و داد پدر، آن شاگرد، مدیر لیسه حبیبیه از طرف سردار صاحب محمد نعیم خان وزیر معارف بر طرف و مدتی محبوس گردید ولی بعداً در دوره صدارت والاحضرت سردار صاحب داوود خان متکفل دو وزارت گردید و نام سردار داوود خان را بر زمین زد، امیدوارم قیس جان کبیر به سایت خود مراجعه نموده و نوشته داکتر صاحب هاشمیان را در مورد آن وزیر دو سره بی ناموس مطالعه نموده بعداً بگویند که با تقرر همچو ملعون نام داوود خان به زمین خورد و یا نه؟

هم چنان والاحضرت سردار صاحب داوود خان کبیر، در سال اول صدارت خود جناب اسمعیل خان مایار را که یک شخصیت معروف و نیک نام کشور بود، از وظیفه نائب الحکومیه قطغن معزول ساخت و به عوضش حاکم بدخشان را به نام ...صدیقی که یکی از فاسد ترین و فاسق ترین و بی ناموس ترین مامورین عال رتبه در کشور بود به عوض مایار صاحب مقرر نمود، حاکم مذکور در بدخشان به زن یک ارباب مهمان تجاوز جنسی نموده بود، کاکای مرحوم که مدتی زیر دست این شخص فاسد کار کرده بود، قصه های بی ناموسی این شخص را به ما میکرد.

هم چنان مرحوم سرور ناشر در جرمنی در حضور من و جناب حفیظ الله خان کرزی صاحب، داستان های شرم آور بی ناموسی این ملعون را به ما قصه کرد.

البته سردار صاحب داوود خان خودش، شخص بسیار متقی و با ناموسی بود ولی چشمش در قسمت انتخاب هم کاران کور بود! اکنون قضاوت شما، قیس جان کبیر در زمینه تصریحات من چه خواهد بود؟

در صورت لزوم، نور بیا محمد داود مومند، تاریخ زنده دوران حیات خود.

اسم: محمد داود مومند **محل سکونت:** متحده ایالات **تاریخ:** 20.12.2021

صدیقی صاحب والاگر

احترامات مرا بپذیرید

از پیام تشویقی، ترغیبی و تشجیعی تان متشکرم، همچو حمایت از برافز مطالب متکی بر احساس ملی و ندای ضمیر و وجدان در مورد واقعیت های تاریخی کشور، برایم حیثیت پاداش اعطاء مدال «لمر اعلی» را دارد.

سر افراز باشید

با ابراز اردات و امتنان

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی **محل سکونت:** آلمان **تاریخ:** 20.12.2021

عزتمند مومند صاحب!

تاسی ته د یو پوه سپین ږیری په صفت سخت احترام لرم. خو که اجازه راگری په همدی شبیه کبني، یوه ډیره نری موضوع ته چی د افغانستان د دولت تابعیت دی خپل تشویش بیان کړم. په افغانستان کبني همدا اوس، ډول ډول «راسیستی» تمایلات او حتی د تجزی حرکتونه محسوس دی. زه ستاسی د هغه عکس العمل په باب چی مو د «میرمن فاطمه گیلانی» په باب ښودلی، اعتراض نلرم او نه د دی شخص او نه هم د بل یو شخص د دفاع د پاره، څه ویل غواړم. خو د تابعیت د حق په باب، ما ته د پخوانی او یا د اوسنی تابعینو تر مینځ، چی د هر یو، مساوی حق لری، فرق نه منم. ما ته مهمه داده چی د خاوری د تمامیت د پاره باید هر سری، چی د تابعیت حق او مکلفیت منلی، وفادار و اوسی. زه فقط د یو چا د هغه عمل سره مخالفت ښودلای سم، چی عملاً وطن ته ضرر و رسوی. دا چی څوک د مهاجر سابقه ولری او که و نه لری، ما ته فرق نلری. په درناوی، یوسفی.

اسم: عبدالباري جهاني **محل سکونت:** MANASSAS Parkl **تاریخ:** 20.12.2021

ښاغلی محترم ورور مهمند صاحب سلامونه او احترامات مي قبول کړی. دا چي زما د وروستيو تاريخي څېړنو ستاينه مو کړې ده ستاسي څخه يوه نړۍ مننه. انشاءالله، ستاسي له غوښتنې سره سم به يې په نيزې راتلونکي کي د مستقل چاپ غم وخورم. تاسي ته، د يوه ليکوال په حيث معلومه ده، چي په مستقل شکل د يوه اثر چاپول له سره لوستلو ته ضرورت لري نو که خدای کول له لازمو اصلاحاتو راوستلو او تايايي اغلاطو له ليری کولو وروسته به يې چاپ کړم. ستاسي څخه يو ځل بيا مننه.

اسم: محمد نعیم بارز **محل سکونت:** پاریس **تاریخ:** 20.12.2021

نشرت آقای معروفی!

ولاف ویتاق «مقاومت ملی احمد مسعود جان» چون پوځانه ای پف شده، چه بجا میان تهی بودن آن با نشتر یک اصطلاح کابلی (فی لی لی فس) بیان شده است. جا د ارد گفته شود پر بار و پر برکت باد گنجینه اصطلاحات و دانش آقای معروفی.

اسم: محمد داود مومند **محل سکونت:** متحده ایالات **تاریخ:** 20.12.2021

فاطمه گیلانی با بی حیایی تمام بر خواست حکومت همه شمول نشخوار میزند.

فاطمه گیلانی زن انور الحق احدی، به خاطر شهرت نام پدر و اجداد مهاجر بغدادی اش، تخلص گیلانی را انتخاب نموده است، در حالیکه رسم جهانی برین است که یک زن بعد از ازدواج تخلص شوهر خود را انتخاب میکند اما البته با قبول استثنائات.

فاطمه گیلانی نظر به پانزده سال قبل که من از نزدیک دیده بودم، مانند گوسفند چاری بسیار چاغ و فربه شده است، چاغی دو دلیل دارد، یا اینکه شخص کدام مریضی دارد ولی بصورت عمومی عیش و عشرت و عیاشی و خوشگذرانی و پولدار شدن انسان را چاغ و فربه میسازد،

گویند احدی و زنش گیلانی در حدود نزدیک به یک ملیارد دالر دارد. الغیب و عندالله احدی در انتخابات گذشته در حمایت دبل عبدالله و در مخالفت با اشرف غنی قرار داشت، وی باری هم به گور ناپلیون کاغذی پیچشیر رفت و بیانیه داد.

احدی و محمد امین واکمن دراز، نام جریان افغان ملت را بد کردند.

جریان افغان ملت، تحت راه بُری این دو عنصر نا پاک، و دنباله روان شان مانند داکتر رحیم پشتون یار «در حقیقت امریکایار» و دیگران به حیث یک جریان منحنط و ایجنت سی آی ای عمل میکنند.

فاطمه گیلانی در تلویزیون ایران پرستان طلوع از کشور های جهان و منطقه مانند ایران، هندوستان، ترکیه، روسیه، تاجکستان و کشور اعمار اضلاع متحده و غیره در مورد حکومت همه شمول یعنی حکومت «شتر، گاو و پلنگ» حمایت نمود، در حالیکه اگر طالبان به خود و شوهرش چوکی کدام وزارت و یا سفارت پاریس را بدهد، امارات اسلامی گل و گلزار و صد در صد همه شمول خواهد بود.

فاطمه از مبارزات خود لاف و یتاق فراوان زد که در کنفرانس ها و میتنگ ها اشتراک نموده و خدمات تاریخی انجام داده است.

فاطمه گیلانی افسرده و مأیوس به نظر میرسد که چرا بی بی سی لندن او را مانند پنجاه زن بی مسلک فراری در زمره پنجاه زن از افغانستان به حیث زنان مؤثر، انتخاب و شامل نساخته است.

دار البقاء نصیب فاطمه جان فربه و زنان فراری و ف، سیاسی باشد.

امید که زنده باشیم و ببینیم

دا ارمان می هیخ ارمان سره سم ندی

چی کابل د مدعی په وینو سور شی

اسم: Alec Sidiq **محل سکونت:** Ladera Ranch **تاریخ:** 20.12.2021

مومن صاحب نهایت محترم !

من مضمون اخیر سرا پا واقعیت شما را چند بار با دلچسپی خاص خواندم. هزاران شادباش و آفرین به شجاعت شهامت و دلیری همیشگی شما که بی ترس و لرز و بی هراس در مسیر مخالف جریان آبی که شوروی و نوکرانش در جامعه خلق کرده اند ایستادید و واقعیت های ناگفته شده را بیان کردید. این گروه مشتمل از چپ و راست افراطی و عقده مندان انتقام جو با وسایل ممکنه جرأت راست گویی مردم را سلب و ذهنیت های همه را مکدر ساخته اند و در خیال تحریف تاریخ اند.

الحمد لله که ما مبارزین دلیری چون شما و دانشمند محترم عارف عباسی را داریم. راه تان حق است و مبارزه تان بر حق به هزاران هم نظر دارید. موفق باشید

اسم: محمد عارف عباسی **محل سکونت:** کلیفورنیا **تاریخ:** 19.12.2021

گل احمد بارز صاحب!

آیا بر اساس حقوق معتبر و مسلم مدنی، آزادی افکار و اصول و پرنسپ این حق را به من قائل استید که هم صحبت خود را انتخاب کنم؟ کی را جواب گویم و به کی عرض سلام نمایم. با چه کسانی داخل بحث شوم و آگانه بدان که کی واقعاً ارزش مشاجره و مناقشه دارند.

با درک سویه فهم، توان مندی قضاوت عاقلانه منطقی و کم و تم برخورداری از نور معرفت کسان، که و انگیزه شاخص اتخاذ تصمیم من برای تبادل نظر با مفهوم است.

بعد از روئیدن شما در نی زار مستعار نویسان چون قور باغه ترانه خوان وصف نوشته دیگران، من پدیده از تراوش اندیشه و قلم شما نیافتم. شما صرف اریکین در دست و واسلین در جیب و زینه در شانه برای همه مداحی کردید. کف زدید و توصیف کردید و ای والله گفتید، ولی از خود چیزی بکری تبارز ندادید.

اگر رموز فهمی می بودید به معذرت قبلی من توجه می کردید.

ناگفته نماند که من به خود حق مسلم شما را در ارائه دیدگاه های نامشخص ادبی و سیاسی تان سلب نه توانسته، اگر ذکر نام من، حتی باکلمات رکیک دشنام رونق سوق لاطایلات شما باشد مخالفت ندارم. ولی هرگز از من توقع جواب نکنید و آن چه شما را مطرح نگهداشته و مسرت می بخشد همان کنید.

اسم: محمد داود مومند **محل سکونت:** متحده ایالات **تاریخ:** 19.12.2021

تحقیقی که میتوان آن را «الماس کوه نور» تحقیقات تاریخ معاصر کشور خواند.

افتخار بر استاد جهانی و افتخار بر تحقیق بی نظیر شان که تا امروز نظیر آن دیده نشده است.

آنچه استاد جهانی نوشت، نه غبار نوشته است، نه فرهنگ، نه استاد سیستانی و نه دیگران، نوشته جهانی علاوه از معلومات بکری که حیثیت منرال های بشار نادر در اعماق سلاسل جبال را دارد، از جوهر صداقت و پاکدامنی ذهنی بی مثالی بر خوردار است.

این جانب به حیث یک طالب العلم مبتدی، مطالبی را در مورد دوره حبیب الله خان و غازی امان الله، درین تحقیق دقیق و همه جانبه خواندم که قبلاً بر آن وقوف نداشتم، باور دارم که تمام محققین و مؤرخینی که در قید حیات هستند در موقف مشابهی قرار دارند، زیرا همچو مطالب تا امروز از خامه و قلم هیچکدام شان تراوش نکرده است.

این اثر بکر باید به شکل یک رساله طبع گردیده و بدسترس نسل کنونی و آینده کشور گذاشته شود، متأسفانه این جانب به حیث یک شخص متقاعد و مسؤل مساعدت به اعضاء خانواده ام در کابل، توان اقتصادی طبع و تکثیر این اثر را ندارم.

امیدوارم هم وطنانی که از استطاعت نسبی مالی بر خوردار باشند، از وظیفه ملی خود در قسمت طبع و نشر این تحقیق نایاب، بی تفاوت نمانند.

بیت لسان اغیب رحمن بابا را با کمی تصرف در مورد تضمین میکنم:
چی منکر پری اعتراض کولی نشی
دا تحقیق دی جهانیه که اعجاز
قدر زر زرگر بداند
قدر جوهر جوهری
در مورد جاهلان و احمقان و لوده های تویی که بر این تحقیق نظر احمقانه ابراز کرده اند، باز هم بیت رحمن بابا صدق میکند:
په نظر د جاهلانو ناکسانو
خر موره، لعل او گوهر دری واره یو دی
سلام او درناوی

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 19.12.2021

Taliban recruits flood into Afghanistan from neighboring Pakistan as " the group works to consolidate control "

The above is headline printed in Wahington post yesterday, indicating that thousands of Taliban supporters from Pakistan have poured into Afghanistan over the past four months, answering the calls of influential clerics and commanders to help Taliban function and consolidate power. According to Washington post many were offered permanent residences in Afghanistan to speed the process.

By far the most dangerous development so far, while know how Afghan skilled experts are either subsided, some already left or in the process of leaving Afghanistan, while Pakistani's are hired to fill the vacuum created.

اسم: محمد داؤد مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 18.12.2021

معرفی اقوام افغانستان
شاعلی محترم داکتر صاحب نور احمد خالدي مضمون نهايت پر محتوی و مستندی را تحت عنوان فوق الذکر در سایت افغان جرمن بدست نشر سپرده که از نظر این جانب حیثیت یک لکچر پوهنتونی را دارد، من بدین وسیله به جناب شان تبریک گفته امیدوارم سایت فوق الذکر به عوض مطالب زهر اندود و تفرقه افکن، تواریش ها، به نشر مطالب نظیر داکتر صاحب خالدي اهتمام ورزند.
په درناوی

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 18.12.2021

زلمی خلیل زاد، د جنایتونو بیلگی په افغانستان کښی :

افغانستان یو سوچه اسلامی هیواد دی، د طالبانو د اسلامی ارشادات د سرته رسولو او راتگ سره پرابلم نلری. زلمی خلیل زاد په تیرو شلو کالو نو کښی د «کلانهای افغانستان» توطیو تر نامه لاندی خپلی هغه ټول خائینانه جنایتونه د تورو پردو تر شاه په افغانستان کښی سر ته ورسول چی اوسنی ناورین یی په هیواد راوستلی دی. زلمی خلیل زاد په څلورو لسیزو کښی د افغانستان دپاره د امریکی د بهرنی د چارو د سمبال استازی و چی نه یواځی افغانستان یی وران کړیدی، بلکه په د افغانستان جگړو کښی د سمیز او نړیوال د هیوادو داریکی په برخو کښی یی هغه منفی رول لوبولی دی چی به افغانستان، سیمه او د نړی په کچه کی دبیگناه افغانانو او د نړی د نورو هیوادون بیگناه انسانان یی ووژل، د خلیل زاد د و وړانیو د توطیو له کبله اوس په افغانستان، عراق او دنړی په یو لړ ډیرو نورو هیوادو کښی سوله او امنیت یو ناشونی کار دی.

لومړی:

د خلیل زاد تته هغه وخت شیری غوا لنگه شوه. چی د ۲۰۰۱ کال د سپتمبر پر یولسم نیټه تروریستانو د امریکا پر مهم خایونه باندی حملی وکړه او زرگونو بیگناه خلک یی ووژل.

دویم:

خلیل زاد د امریکا او شوروی د مقابلی د جگړو په درشل کښی د افغان «جهادی» ډلو او تنظیمونو په منځ کښی چی د پاکستانی او ایرانی د استخباراتو لخوا د افغانستان د وړانولو دپاره روزل شوی وی، خپل د جنایتکارانو کړی ناکلی و چی د ۱۹۹۲ میلادی کال د افغانستان په تحولات کښی د ملل متحد لخوا د سولی پنځه فقریز بلان یی ناکام کړ، په افغانستان کښی د «جهادی» ډلو ترمنځ بیساری خونړی جگړی پیل شوی، «جهادی» تنظیمو مشران د هیواد ټولی ملی شتمنی یی لوټ، او هیواد یی په جگړو باندی وران او په کنډواله بدل کړ، په افغانستان کښی په لکهاؤ بیگناه افغانان ووژل شول، تر څو چی په ۱۹۹۶ میلادی کال د طالبانو تحریک په هیواد کښی واک ته ورسیدل.

دریم:

خلیل زاد د طالبانو د لومړی دور دحکومت د پرخولو پر وخت ډیری ځاننانه توطیو پیلې کړی چی په افغانستان کښی د یو ملی مقتدر او سوله ایز حکومت د جوړولو څخه مخنیوی وکړ، خلیل زاد د افغانستان د پاره د بن په بین المللی کنفرانس کی د افغانستان د پخوانی پاچا اعیحضرت محمد ظاهر د واک د مشر په توگه مخنیوی وکړ، بلکه د هغه پر ځای یی واک و خپلو د غلو او لوټمارو شبکو ته وسپارل. څلورم:
خلیل زاد په تیرو شلو کلونو کښی په افغانستان کی د خپلی خوښی د غلو او جنایتکارو ډلو پواسطه د امریکی او ناټو د نظامی قواؤ په موجودیت سره لاندنی جنایتونو بیلگی سرته ورسول چی د ټولو جنایتونو اسناد یی موجود دی.

*~ خلیل زاد د افغانستان د خلکو د قامی او مذهبی د ورورولی تاریخی جوړښتونه یی دافغان هیوادوالو په منځ کښی په مخامخ خونړی دښمنی باندی بدل کړ،

*~ خلیل زاد دافغانستان ملی او نړیوال اعتبار یی له منځه یووړ. دافغانستان باعزت ولس یی پ نړی کښی بدنام کړ.

*~ خلیل زاد د بن د کنفرانس څخه وروسته په افغانستان کښی د غلو او مافیایی ډلو حکومت یی جوړ کړ، او خپله هم د یو توطیه گر ویسرای په رول باندی په افغانستان کښی د امریکا د سفیر په توگه دنده درلود.

*~ خلیل زاد په افغانستان کښی د حکومت په ټولو بنسټونو کښی خپل د مافیایی شبکی غله او جنکاران یی د افغانستان د «مشران» یا دده د توطیو

په مرداره ژبه «کلانهای افغانستان» تر نامه لاندی غله او جنایتکتران د واک په سر کښی وگمارل، تر څو چی افغانستان یی برباد او نړیوال یی هم په شرمو وشمول.

*~ خلیل زاد د پاکستانی د چارواکو او پاکستانی استخباراتو سره په خپل خائنیانه پټو معاملو کښی پاکستانی کرنیلان یی و هڅول تر څو چی د امنیت په پلمه دا افغانستان د خاوری په دننه کښی د پاکستان خپل اغزن دیوال جوړ کړیدی، خلیل زاد په همدی ډول دافغانستان تاریخی او ملی حقوق یی تر پښو لاندی کړیدی.

*~ خلیل زاد په تیرو شلو کلونو په درشل کښی تل د لوتمارو او مافیایی کریو تر شاه ولاړ ؤ، تر څو چی افغانستان یی ټول وران او دامریکا او ناټو سیاستونه یی هم په افغانستان کښی ناکام کړ.

څلورم:

افغانستان یو مسلمان هیواد دی، زموږ هیوادوال د طالبانو د تحریک د راتگ او واک سره هیڅ ډول ستونزه نلری، مگر هغه نیمگری، د خلاؤ څخه ډک تړون چی زلمی خلیل زاد په آگاهانه توگه د طالبانو دمشرتابه سره د «سولی» تر نامه لاندی ډرامه سرته ورسولی دی، چی په افغانستان کښی بیا هم وینه تویول او خونری جگری دوام ولری. د هغه نیمگری تړون د خلاؤ له کبله دی، چی خلیل زاد په دوحه کښی د طالبان سره یی لاسلیک کړیدی، په افغانستان کښی د اوسنی ناورین او بدبختیو اساسی عامل پخپله زلمی خلیل زاد دی

اسم: عبد الاحمد محل سکونت: دنمارک تاریخ: 17.12.2021

آیین عیاری و جوانمردی

مؤرخ نامدار وطن و مؤلف چندین اثر تاریخی، محترم کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی در مقاله اخیر خویش در وبسایت افغان جرمن آنلاین که در مذمت استاد خلیل الله خلیلی نگاشته اند، از رادمردی و عیاری داد سخن داده و اوصاف عیاران را می شمارند.

سوال من از جناب سیستانی صاحب این است، که اگر استاد خلیلی رساله عیاری از خراسان را در مدح بجه سقوط نوشت و یا در مدح جنرال ضیا الحق چکامه سرود، چرا شما چهره مبارک خود را در آیینۀ تاریخ نمی بینید و از خود نمی پرسید که در شورای انقلابی رژیم خلق و پرچم چه گل هایی را به آب داده اید؟

و مشخص تر می پرسم:

- 1 - جناب اعظم سیستانی در کدام مرتبه عیاری و جوانمردی قرار دارند؟
- 2 - آیا کار استاد خلیلی بدتر از کارهایی بود جناب سیستانی در شورای انقلابی رژیم خلق - پرچم انجام می دادند؟
- 3 - چرا از خود نمی پرسید که چرا در هر رژیم چهره عوض کرده اید؟

و سوال آخر:

- 4 - آیا شما دستان محترم «باری جهانی» را بوسیده اید، طوری که داکتر صبورالله سیاه سنگ می نگارد؟

امید است به همین چند سوال جواب کوتاه داده و ممنون سازید.

با عرض حرمت

عبدالاحمد

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 17.12.2021

محترم کلیوال صاحب!

لمری سلام و راندی کوم.

د تاییبې اشتباه په خاطر معذرت غواړم. لطفا دا اصلاح سوی بدل کړی. مننه

ما ستاسی شعری استعداد ته په درنه سترگه کتلی وه. خو دومره هم د کلماتو د معنی او مفهوم څخه به لیری نه یم. که مو په کلی کښی «جاهل» خوانان، پر مخکی او یا د اوبو د ویش پر وخت، یو پر بل باند د یامه واری کړی وی، نو کیدای سی چی د کلی مشران ورته، د جاهلانو د کار حکم کړی وی. دا جنگ د «کلی» څخه شروع سوی نده او د کلی په ساحه کښی محدوده نده پاته سوی. پدی «نیابتی» جنگ کښی چه تر ۴۳ کاله زیات دوام کړی، مختلف اشکال ځان ته نیولی. دا جنگ د سوتی جنگ ندی. دلته گرمه او ثقیله سلاح استعمال سوی او استعمالیږی. مجریان ئی جاهلان نه بلکه استخدام سوی جنگیالی یادیږی. که یواځی د وروستی ۲۵ کلونو واقعو ته وگورو، د عادی «جنگیالی» چی د «شترن» د راپور پر اساس، ورته د «مدرسی» شاگردان، نومول سوی، د میاشتی په هغه وخت کښی ۱۳۰ دالر او قومندان ته ئی هم ۳۰۰ دالر، مزد ورکول کیده. (اوس به شاید پورته وی) دا چی څه نوم ورباندی ایښودل سوی، دلته بحث گنجایش نلری. خو دا تاسی ته وایم، چی د نا پوهی او جهالت جنگ ندی. پدی جنگ کښی انسانان وژل کیږی. پام وکړی، پر هر څه باندی شاید خیالی شعر مناسب نه وی خو ستاسی د تصور او تعبیر په اړوند، همدا شبیه د ملا نصرالدین یوه قصه را به یاد سوه، چی ستاسی په اجازه بیانول غواړم. گوندی لوستونکو ته هم د خندا سبب وگرځی. «یوه ورځ ملا نصرالدین دانگور د باغ د باندی روان وو. فوراً اشتها ئی تحریک سو، نو باغ ته ننوت، چی یو څه انگور وری وشکوی. کله چی لا انگور نه وه شکولی، باغوان را ننوت. ملا وارخطا سو، نو فوراً د آزاد رفع حاجت په پلمه کښیناست. باغوان غوښتل چی د باغ ورتړی، نو منتظر وو، چی کله ملا نصرالدین خلاصیږی. کله چی و ځنډید، نو باغوان ږغ پورته کړ، چی «څه کوی؟» ملا په تلوار ولاړ سو، وی ویل چی «غول کوم». باغوان شکمن سو، او هغه ځای ته راغی. کتل ئی، چی اصلاً د غوا او یا د غویي وچ خوشائی دی. باغوان و ملا نصرالدین ته وویل، چه دا خو د غوایی وچ خوشائی (سرگین) دی. ملا نصرالدین ورته وویل، تا زه پرینښودم، چی انسان غوندی وکړم.»

په احترام

یوسفی

اسم: سلطان جان کلیوال محل سکونت: کانادا تاریخ: 17.12.2021

جناب یوسفی صاحب. زما سلامونه هم ومنی. زه ستاسو نظر ته احترام لرم. خو زه په دی باور چی جنگ او فتنه جوړول، که لوی وی که وړوکی، مرگ او ژوبله، تباهی او بربادی چی هر څوک جوړوی (که یی پخپله کوی او که بل څوک یی استخداموی) ماته هغه ناپوه او جاهل ښکاری که هغه په کلی کی وی که په ښار کی وی، که بروفیوسر وی او که بی سواده وی. داچی ستاسو فکاهی د موضوع سره څومره تعلق لری زه ورباندی نظر نه ورکوم ممکن نور دوستانو ور باندی فکر وکړی. زما له لوری بحث ختم. روح اوسی.

اسم: محمد داؤد مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 17.12.2021

«مقاله بلند» یک اصطلاح نامأنوس است.

دانشمند محترم صالح محمد گردش، در سایت افغان جرمن، ضمن جواب و توضیحاتش به استاد معروفی مینویسد که: «وقتی میگویند مقاله بلند، مقصد همان نوشته طولانی و دراز میباشد.» خدمت به عرض برسانم که به حیث یک آدم شایق به مطبوعات وطن، در مطبوعات کشور ما هرگز اصطلاح مقاله بلند را ندیده و نشنیده ام، لذا برای مردم ما استعمال این اصطلاح نا مانوس و بی ضرورت به نظر میرسد. اگر ایرانیان آن را به همچو مفهومی، استعمال میکنند، مبارک شان باشد، ایرانیان «راکت» قاره پیما و به آن بزرگی را «موشک» گویند، که نطقان احمق ما در تلویزیون طلوع به پیروی از ایرانیان بر آن تشخوار میزنند. هم چنان در جمله فوق الذکر دانشمند محترم کلمه «مقصد» به مفهوم «منظور» بکار رفته و نا درست به نظر میرسد. گستاخی معاف

اسم: داکتر محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 17.12.2021

محترم کلیوال صاحب!

لمری سلام و راندی کوم.

ما ستاسی شعری استعداد ته په درنه سترگه کتلی وه. خو دومره هم د کلماتو د معنی او مفهوم څخه به لیری نه یم. که مو په کلی کبني «جاهل» خوانان، پر مخکی او یا د اوبو د ویش پر وخت، یو پر بل باند د یامه واری کړی وی، نو کیدای سی چی د کلی مشران ورته، د جاهلانو د کار حکم کړی وی. دا جنگ د «کلی» څخه شروع سوی نده او د کلی په ساحه کبني محدوده نده پاته سوی. پدی «نیابتي» جنگ کبني چه تر ۴۳ کاله زیات دوام کړی، مختلف اشکال ځان ته نیولی. دا جنگ د سوتی جنگ ندی. دلته گرمه او ثقیله سلاح استعمال سوی او استعمالیږی. مجریان ئی جاهلان نه بلکه استخدام سوی جنگیالی یادیري. که یواځی د وروستی ۲۵ کلونو واقعو ته وگورو، د عادی «جنگیالی» چی د «شترن» د راپور پر اساس، ورته د «مدرسی» شاگردان، نومول سوی، د میاشتی په هغه وخت کبني ۱۳۰ دالر او قومندان ته ئی هم ۳۰۰ دالر، مزد ورکول کیده. (اوس به شاید پورته وی) دا چی څه نوم ورباندی ایښودل سوی، دلته بحث گنجایش نلری. خو دا تاسی وایم، چی د نا پوهی او جهالت جنگ ندی. پدی جنگ کبني انسانان وژل کیږی. پام وکړی، پر هر څه باندی شاید خیالی شعر مناسب نه وی خو ستاسی د تصور او تعبیر په اړوند، همدا شبیه د ملا نصرالدین یوه قصه را به یاد سوه، چی ستاسی په اجازه بیانول غواړم. گوندی لوستونکو ته هم د خدا سبب و گرځی. «یوه ورځ ملا نصرالدین دانگور د باغ د باندی روان وو. فوراً اشتها ئی تحریک سو، نو باغ ته ننوت، چی یو څه انگور وړی وشکوی. کله چی لا انگور نه وه شکولی، باغوان را ننوت. ملا وارخطا سو، نو فوراً د آزاد رفع حاجت په پلمه کیناست ملا غوښت چی د باغ وړ وتری، نو منتظر وو، چی کله ملا نصرالدین خلاصیږی. کله چی و ځنډید، نو باغوان ږغ پورته کړ، چی «څه کوی؟» ملا په تلوار ولاړ سو، وی ویل چی «غول کوم». باغوان شکمن سو، او هه ځای ته راغی. کتل ئی، چی اصلاً د غوا او یا د غویي وچ خوشانی دی. باغوان و ملا نصرالدین ته ویل، چه دا خو د غوايي وچ خوشانی (سرگین) دی. ملا نصرالدین ورته وویل، تا زه پرینبوم، چی د انسان غوندی وکړم.»

په احترام

یوسفی

اسم: سلطان جان کلیوال محل سکونت: کانادا تاریخ: 17.12.2021

جناب یوسفی صاحب مننه. دا کلمه فکر کوم خاص نه ده او په عامه توگه هر هغه چاته چی د هیچا خبره نه منی او غور نه ورته ږدی یواځی تر آخره په خپله خبره که سمه وی که ناسمه کلک ولاړوی استعمال لری. شعر به مو لوستلی وی که داسی کسانو ته تاسو کوم بل ښه نوم لری مونږ سره یی شریک کړی. روغ اوسی

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 16.12.2021

د افغانستان د غملرلی تاریخ معماوی به څوک حلوی؟

نن د بنگلديش د اولس د پاکستان له اولوگی د آزادی پنځوسم کلیزه ده، د افغانستان د آزادی د اعلان څخه ۱۰۲ کاله تیر شویدی، مگر په تیرو سلو کال کبني د افغانستان غیرتی اولس داسی مشران اویا سیاسی گوندونه را پیدا نشول چی خپل میرنی هیواد وساتی، نن د افسوس او خواشینی وحشت خبره دا ده چی په بنگلديش کبني د څلور سوه میلیون نفوس د لوړی څخه نه میری، مگر ولی د افغانستان دیریش میلیون خلک نفوس چی د نری د ډیرو هیوادو په پرتله د زیرمی څخه پک هیواد دی، هره ورځ د افغانستان مظلوم خلک د لوړی څخه میری. د افغانستان د نری د یو وفادار ملت په توکه د غمونو وحشتناک پیښو داستانونه په تکراری ډول دوام دی. د افغانستان یوه لویه بختی دا ده چی ددی بدبخته هیواد مخکینان د هیواد ملی گټو ته نه بلکه د بهرنیانو او د ځان د شخصی گټو دپاره کار کوی. د جگړو په تیرو پنځو لسیزو کبني د مخکینانو د عدم صداقت او چلونو یو غوره مثال حامد کرزی او د اشرف غنی د رولونو قصی دی. حامد او اشرف دواړه د جگړی په څور لسیزو کبني د بهرنی استخباراتو سره نژدی همکار او مخکینان و، کله چی سړ کال د اگست پر پنځلسم نیټه ددی بهرنی گوداکیانو د واک تلسم په ډیره بیشرمی سره مات شو، نو د هیواد څخه د لوټمارانو د ډلو یوه برخه د اشرف غنی سره یوځای وتښتدل، د طالبانو د واکمنی سره سره حامد کرزی په ډیره بیشرمی سره په کابل کبني د بهرنیانو په مرسته اوسیری، کرزی د افغانستان سره د جفاو او توطیو لری پخپله ژبه وربند وی. حامد کرزی او اشرف غنی دواړه په تیرو شلو کالو کبني د بهرنیانو په مستقیمه مرسته د یوی آټن ملکری وه، کله چی د حامد او اشرف د دور آټن خلاص شو، نو حامد د خپل یار د تښتی د داستان قصی او د ځان قهرمانی په عجبیه الفاظو پیلی وایی.

حامد کرزی پخپله ځان افشا کوی. دافغانستان پخوانی جمهور رئیس حامد کرزی د خپل جاسوسی پټ استخباراتی فعالیتونو رول د طالبانو د راتگ پلان په برخه کبني د اسیشیتید پرس خبری آژانس سره د خبرو په ترڅ اوس پرده را پورته کړه. .

د حامد کرزی پخپل خبری کبني په ډاگه اعتراف ی، چی غربی کړی تر اوسه پوری د طالبان د واکمنی پر وخت هم د پخوانی اطلاعاتی شبکو له لیکو او اجنټانو څخه لکه حامد کرزی کار اخلی.

امریکائیان تر اوسه هم خپل باوری معلومات او اطلاعات د حامد کرزی له لاری تکمیلوی.

کرزی وایی چی طالبان کابل ته نه راننوتل، ما طالبان ته د کابل ښار د داخلیدو اجازه و کړه. ما د طالبان څخه وغوښتل چی دوی د کابل و ښار ته ژر داخل شی. .

حامد کرزی وایي مور (حامدکرزی، عبدالله او گلبدین) د طالبان سره د جمهوریت او طالبانو تر منځ د ګډ حکومت فیصله کړی وه، چې طالبان به په سوله ایز ډول کابل ته راشي .

کرزی وایي چې د اشرف غني فرار د سولې پلان ښه کړل.

بل خوا استخباراتي اطلاعات وایي کله چې اشرف غني د خپل د وژلو د پلان څخه د طالبانو پواسطه د حامد کرزی او عبدالله د سناریو له مخې د طالبانو د انتقال د پلان له مخې څخه اطلاع تر لاسه کړه وه، نو سمدلاسه یې د محب په مرسته خپل د تېنټې پلان د مخه طرح کړی وه عملی کړ.

افغان فراری جمهور رئیس د اشرف غني و هیلکوپرانو ته د فرار پر وخت تاجکستان ته د ناستې اجازه نده وکړی، پداسې حال تاجکستان د همدې جمهور رئیس لومړی مرستیال امرالله صالح او شمالي ټلوالې و ټولو فراری ډلو ته تاجکستان ځای ورکړی او د دوی سره د طالبان پر ضد هر ډول مرسته کوي.

حامدکرزی پخپله ځان افشا کوي!

دافغانستان پخوانی جمهور رئیس حامد کرزی د خپل جاسوسی پټ استخباراتي فعالیتونو رول د طالبانو د راتګ پلان په برخه کېنې داسیشتید پرس خبری آژانس سره د خبرو په ترڅ اوس پرده پورته کړه.

دحامد کرزی خپل خبری په ډاګه اعتراف دی، چې غربی کړی تر اوسه پوری د طالبان د واکمنی پر وخت هم دپخوانی اطلاعاتی شبکو له لیکو او اجنټانو څخه لکه حامد کرزی کار اخلی. امریکایان تر اوسه هم خپل باوري معلومات او اطلاعات د حامد کرزی له لاری تکمیلوي.

۱ - کرزی وایي چې طالبان کابل ته ته رانوتل، ما طالبان ته د کابل ښار داخلیدو اجازه و کړه. ما د طالبان څخه وغوښتل چې دوی د کابل و ښار ته ژر داخل شي.

۲ - حامد کرزی وایي مور(عبدالله، حامدکرزی، عبدالله او گلبدین) د طالبان سره د جمهوریت او طالبانو تر منځ د ګډ حکومت فیصله کړی وه، چې طالبان به په سوله ایز ډول کابل ته راشي.

۳ - کرزی وایي چې د اشرف غني فرار د سولې پلان ښه کړل. بل خوا استخباراتي اطلاعات وایي کله چې اشرف غني د خپل د وژلو د پلان څخه د طالبانو پواسطه د حامد کرزی او عبدالله د سناریو له مخې د طالبانو د انتقال د پلان له مخې څخه اطلاع تر لاسه کړه وه، نو سمدلاسه یې د محب په مرسته خپل د تېنټې پلان د مخه طرح کړی وه عملی کړ.

۴ - افغان فراری جمهور رئیس د اشرف غني و هیلکوپرانو ته د فرار پر وخت تاجکستان ته د ناستې اجازه نده وکړی، پداسې حال تاجکستان د همدې جمهور رئیس لومړی مرستیال امرالله صالح او شمالي ټلوالې و ټولو فراری ډلو ته تاجکستان ځای ورکړی او د دوی سره د طالبان پر ضد هر ډول مرسته کوي

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 15.12.2021

محترم هیوادوالو ،

دا افغان مسلمان، او غیرمسلمان اتباعو چې پدی ۴۲ کلونو کېنې په مختلفو شیبو له هیواد و وتلو ته مجبور شویدي یو لړ عوامل چې چې مذهبی تعصب او بیره یی یو برخه ټینګیلوی.

هر هغه وخت چې افغان هندوانو او سیکانو لوبه برخه چې په ډله ایز توګه د هیواد څخه تېنټی مجبور شول ، په حقیقت کېنې مذهبی جنسیاید دی. د ۱۹۹۲ میلادی کال څخه چې «جهادی» تنظیمونو په کابل کېنې واک تر لاسه کړه، د هیواد هندوانو او سیکانو ډله ایز وتل په پراخه شروع شویده.

د هیواد په هغه ښارونو کېنې چې هندوان او سیکان مینیت وه، او زیات برخه یی په تجارت باندی مشغول وه په خاص ډول د کابل په ښار کېنې د هندوانو او سیکانو کارباریانو جایدادونه او شتمنی د شورای نظار او جمعیت «اسلامی» د ډلو لخوا لوټ شول، هندوان او سکان په پراخه پیمانته له وطنه فرار شول.

د حامد کرزی د حکومت په وخت کېنې هم چې واک په اصل کېنې د شورای نظار پلاس کېنې ؤ، کرزی په کورنی چارو کېنې د هسی د یو تېنټ سیمبول رول درلود.

د هندوانو او سیکانو د ښرکال د اګست وروستنی کوچیدل د خپل مذهبی کتاب سره د طالبانو په راتګ او حکومت پوری اړه نلری.

د هندوان او سیکانو اوسنی کوچیدل په د هند او پاکستان د ناروا توطیو پوری اړه لری. د هندوستان د هندو بنسټپاله د پی جی پی حکومت تل کوښښ کوی چې نوی ډنډوری را د مخه کړی، په هند کېنې ډبی جی پی حکومت د طالبانو واک په افغانستان کېنې پاکستان پوری تړلی بولی، هندوستان او د هغه استخبارات چې لکه اسرائیل په نری کېنې ځان د یهودانو ساتندوی بولی، دوی ځان په نری کېنې د هندوانو او سیکانو ساتندوی وای.

هندوستان دپاکستان سره د مقابلی په وجه افغان سیکان یی د دوی د مذهبی کتاب سره یوځای له افغانستان څخه وکوچول. دا کوچیدل په طالبانو پوری اړه نلری. د طالبانو دراتګ سره سم هندوستان په ډیرو برخو کېنې د د ملل متحد د امنیت شورای پشمول دافغانستان پر ضد په توطیو لاس پوری کوی. به افغانستان کېنې د پاکستانیانو او هندوستانیان د خپل ناروا مقابلی په لړ کېنې په توطیو لاس پوری کړی دی. هندی شرکت د جای بهار د بندر له لاری افغانستان ته د غنمو لیږدول بندکړ.

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 14.12.2021

! گران او محترم شاعر کلیوال صاحب

سلام او احترام می ومني ستاسی شعری استعداد ته په درنه سترګه گورم. خو د افراطیت جنگیان، د جاهل تر کلمی لاندی یادول، او که امید دا وی چې گوندی د دی عمل څخه لاس واخلی، هغسی تیر وتنه به وی چې نور حکومتونه «خطا وتلی وطنول» یادوله، خو ادیری زموږ د وطنوالو د شهیدانو څخه ډکی سوی، موږ. عدالت او انصاف غواړو.

په درناوی

یوسفی

اسم: محمد عارف عباسی محل سکونت: کلیفورنیا تاریخ: 14.12.2021

داد و فریاد من همین بوده است که ای رسالت مند خبره فرهنگی، وای محقق متبحر دیپلوم دار معتبر و ای مؤرخ واقع بین، راست کار و راست گو اگر ترا واقعاً تقوای اندیشه است در تحمیل توصیفات افراطی و لو که از پدر و پدر کلانت باشد بر دیگرانی که کمتر از تو نمی دانند بپرهیز. اگر مصاب به مرض خود خواهی، بزرگ منشی، منم گویی نبی و چون شاخه تاک در خود نه پیچیده بی روی خدا بین و حقیقت را کتمان مکن. فضل و دانشت را در تعلیم، تدریس و تنویر آرزومندان بگمار و به حال و احوال کنونی تقدم بخش.

اگر ترا غم مردم و عشق وطن در دل و دماغ است و این نگون بختی وطن ترا می آزارد از مباحث جنجال بر انگیز دوران تیر شده ای بی حاصل دست بردار، بلی می دانیم که دانایی، روزگار کنونی وطن را آگاه و دانای چون تو باید در صدر اندیشه هایش قرار دهد طریق علاج مصایب و رهایی وطن از این بحران دریابد

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 14.12.2021

جناب حکیمی صاحب سلام.

ممکن همه ما نظر به امکان و توان خود تلاش کنیم که ذره از حقایق را درک کنیم. شیوه برخورد شما با موضوعات، طوری است که خود تان حکم می کنید و یا قضاوت می کنید و فوراً بر بعضی حلقات قدرت اشاره می کنید. این چنین برخورد در حقیقت تخریب اصل واقعیت است. من یک زمان، به لکچر یکی از معروف ترین فزیکدانان فزیک ذروی گوش دادم او در عین حال یک فیلسوف ضد جنگ بوده است، از خصوصیت عمومی انسان ها چنین افاده کرد. او گفت انسان عادت دارد، یک شی را تجزیه و تحلیل کند. با این کار در حقیقت پدیده را تخریب می کند. او در یکی از مقاله های خود ثابت ساخت، که آنچه ما حقیقت می گوئیم، در حال تغییر است. امریکائی ها "ریالیتیت" (واقعیت؟) می گویند. لیکن او تأکید می ورزید، که "حقیقت" و "واقعیت" یکی نیست. او مثالی می آورد، که: "کسی بر یک تصویر می نگرد و ادعا می کند که چه زیبا تصویر است. وقتی به جهات مختلف تصویر، به عنوان صفات حرف می زند، در حقیق تصویر را تخریب می کند. انسان نمی تواند با علاقه حکایت کدام موضوع را به کسی ادامه دهد، وقتی بداند که شخص مقابل در مورد واقف است. شما از روی کدام اسناد و منطق باور کرده باشید که من حق بجانب بوده باشم و شما لازم دیده باشید که از من حمایت کنید، برای چه؟ من سیاستمدار نیستم که به حمایت شما ضرورت داشته باشم. این آخرین تماس من با اظهارات شما می باشد. با احترام یوسفی

اسم: میر عبدالرحیم عزیز محل سکونت: امریکا تاریخ: 14.12.2021

اداره محترم آریانا افغانستان آنالین:

طوری که مشاهده میشود، نویسندگان و محققان با عزت این ویبسایت وزین مسایل حاد کشور را کمتر مورد بررسی قرار داده و توجه خود را بیشتر بر گذشته ها متمرکز ساخته اند. من به تاریخ بسیار علاقمندم و تحلیل حوادث تاریخی را برای درک واقعی تعاملات زمامداران و کشور ها حتمی میدانم. سیاست و تاریخ جز لایتجزای یک دیگر اند. اما با در نظر داشت جریانات دلخراشی که در افغانستان میگذرد، ترجیح من این است که هم میهنان ما حوادث کشور و منطقه و جهان را که به افغانستان مرتبط میشود، عمیقتر مورد تحلیل و تجزیه قرار دهند. طوری که همه آگاهند، فقر در کشور ما بیداد میکند و جامعه جهانی (بگوئید امریکا) نسبت ناکامی اش در افغانستان و به بهانه سرکشی طالبان از معیار های غرب از مردم ما انتقام می کشد. با در نظر داشت این حالت وحشتناک کشور، بهتر خواهد بود که نویسندگان محترم ما مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را بیشتر مورد تبصره و انتقاد و ارزیابی قرار دهند. یک عده هم میهنان ما هم به این تصور اند که سایت آریانا افغانستان آنالین از تحلیل حوادث کشور عمداً طفره میروند که شاید چنین نباشد. امیدوارم که نویسندگان محترم این ویبسایت وزین پیشنهاد مرا مورد توجه قرار داده، لکن آن را یک نوع مداخله در کار خویش نپندارند.

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 14.12.2021

عزتمند او قدرمند مومند صاحب!

د زره له کومی سلامونه او نیکی هیلی می و منی.

په درناوی

یوسفی

د جرمنی څخه

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 14.12.2021

منلی او محترم یوسفی صاحب

احترامات می ومنه

ستاسی د بډیری او تبصری نه مننه، ستاسی د نظر سره موافق یم.

په مخ مو گلونه

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 14.12.2021

از مدتی پدیسو با یک شک رویو شده ام. من مطمئن نیستم که آیا یک نویسنده به نا "حکیمی" که به انگلیسی در هر موضع تبصره می کند، یک "ماشین" است، که باید نوشته ها را کنترل کند و برای دفع توجه خوانند، تشخیص کند که این و یا آن مانع در راه تطبیق وجود دارد. می تواند این شخص دارای استعداد و صلاحیت خاص باشد، که "در نقش "اجنت" کدام ارگان، وظیف دار باشد

I am none of the above, and Dr. Yusufi not paying attention to an important fact that every reputable media outlet including newspapers have a section called editorial page, which is designed exclusively to make a comment on other writings. Once again, my comments were in support of your topic, not against it so please cool off.

اسم: محمد داؤد مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 13.12.2021

تمنای توضیح از یک منتقد دوم
هم وطنی بنام کاکر از هالیند که نمیدانم تخلص شان تخلص قومی (کاکر) است، مانند فقید (داکتر حسن کاکر) یا اینکه کاکر کدام معنی و مفهومی دیگری داشته و لذا شاید هم نام اول او باشد.
به هر صورت چون موصوف خود کاکر مینویسد من نیز اجباراً باید او را بنام کاکر خطاب کنم. تا بی احترامی به حقوق مکتسبه شان تلقی نگردد.
این آغا ضمن خطاب به محترمی دیگری، در پایان پاراگراف خود مینویسد:
«سوم: تا جای که من خواندم، اکثراً آقای مومند در این کار استاد فن است که لقب استاد و دیگر القاب را لادرنگ هدیه مینماید.»
شاغلی کاکر این اعتراض شما بر این جانب فاقد محتوی است، ادعا و اعتراض منطقی ایجاب میکند که انتقاد و اعتراض شما روشن و مشخص باشد، شما باید منطقاً از مواردی تذکر بدهید که من لقب استاد و دیگر القاب را آنهم به صورت لادرنگ به ذواتی داده ام که از نظر جناب عالی لیاقت و اهلیت آن را ندارند، مخصوصاً در مورد القاب (لادرنگ) روشنی بیشتر بیندازید.
هم چنان ضمن توضیح روشن موارد فوق الذکر و گرفتن نام اشخاص، توضیح بفرمائید که چرا و روی کدام دلایل علمی همچو اشخاص، مستحق القابی نیستند که من ناحق به ایشان ارزانی کرده ام، تا در روشنی موارد مذکور و دلایل شما یا به دفاع و منطقه نظر خود بپردازم و یا هم اگر اشتباه نموده باشم معذرت بخواهم.
از توضیحات روشن و مردانه و جسورانه و مکمل تان قبلاً ابراز شکران مینمایم.
به امید جواب صریح و منطقی تان.
با عرض حرمت

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: 13.12.2021

هموطنان عزیز و گرامی!
احتراماً بعرض می رسانم.
من مانند هر انسان دیگر چیزی می نویسم که همان لحظه فکر کرده می توانم. هیچ وقت به این فکر نیستم، که دیگر کسی با مفکوره متفاوت وجود نخواهد داشت. از جانب دیگر این محاسبه را هم نمی داشته باشم که دیگران آنرا بپذیرند. هر چه هست، ممکن هر کس تصویر خودش را هم داشته باشد. از مدتی بدینسو با یک شک روبرو شده ام. من مطمئن نیستم که آیا یک نویسنده به نا "حکیمی" که به انگلیسی در هر موضع تبصره می کند، یک "ماشین" است، که باید نوشته ها را کنترل کند و برای دفع توجه خوانند، تشخیص کند که این و یا آن مانع در راه تطبیق وجود دارد. می تواند این شخص دارای استعداد و صلاحیت خاص باشد، که در نقش "اجنت" کدام ارگان، وظیف دار باشد. برای این شخص فقط می گویم، که هر انسان یک موجود انفرادی است. مجموعه انسانها، مانند مجموعه اعداد نیست که اعضای آن با هم به حساب بزرگتر و کوچکتر مقایسه شده بتواند. یک انسان همان موجودی است که است. او درین دنیا باید خود زندگی کند. او نه از کس بهتر است و نه بدتر. ممکن علایق او با کس دیگر فرق کند... او را نمی توان با دیگری مقایسه کرد.... این بو اشارات مختصر، نتیجگیری های او فقط ذهنی و بدون سند است. چرا به این کار مصروف است. چرا تولید خود را عرضه نمی کند
با احترام
یوسفی

اسم: محمد داوود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 13.12.2021

نخست، هم وطن یونس را باید بشناسم
در سایت انجنیر صاحب قیس جان کبیر، علیه این جانب سنگ ها در تاریکی پرتاب میگردد، یعنی پرتاب کنندگان این سنگ ها برقع پوش اند و هویت و شخصیت شان مکتوم است، از این جمله نیز وطنداری است بنام یونس که از دیر زمانی علیه من سنگ های بد بینی، عداوت، هتاک و امثالهم پرتاب میکند، سوالی که دیروز خدمت شان مطرح نمودم که چرا جناب شان اقتضاء پرستی و تغییر مواقف ذواتی را که با سایت قیس جان کبیر همکاری دارند، هرگز مورد سوال قرار نمیدهند، ولی امروز مشاهده نمودم که از جواب سوال اجتناب ورزیدند و به تکرار مکرر پرداختند، ولی قبل از پاسخ به سوال های شان میخواهم همانطوری که ایشان مرا میشناسند، من هم او را بشناسم تا ثابت گردد که سنگ های او در تاریکی و اختفاء هویت پرتاب نمیگردد، لذا و بدین منظور میخواهم هویت خود را بیشتر به ایشان معرفی نموده و من توقع مماثلتی از ایشان دارم، نخست در مورد خودم:

طوریکه میدانید نام مکمل من محمد داؤد مومند و از فارغ التحصیلان فاکولته حقوق و علوم سیاسی میباشم، من مدت ده سال در پوهنتون کابل ایفاء وظیفه نموده ام، منزلم در شیر شاه مینه در جوار منازل پوپل صاحبان و نور محمد تره قرار داشت.

من در وطن با جراید افغان، افغان ملت و روز نامه کاروان همکاری قلمی داشته ام، بعد از غربت از وطن با نشرات ذیل همکاری داشته ام: جریده مجاهد ولس در پشاور، جریده افغان ولس در ناروی، مجله آئینه افغانستان به مدیریت استاد هاشمیان، جریده افغان رساله در کاندا، جراید دعوت و سباوون و سایت های افغان جرمن، آریانا افغانستان و دعوت.

سایت افغان جرمن دوبار دروازه سایت خود را به رویم بست و محترم عزیزی صاحب بار دوم نوشتند که نوشته من آشوب بر پا میکند یعنی من آدم آشوبگر هستم.

اکنون نوبت شماسست برادر یونس تا خود را به صورت مکمل معرفی کنید تا بدانم مخاطب من کیست؟ تا مشکل سنگ پرانی شما علیه من در تاریکی رفع شود، امیدوارم از طفره روی و چال بازی در معرفی شخصیت و هویت تان وجداناً و ایماناً اجتناب ورزید. بعد از شناخت هویت و شخصیت کامل تان طوریکه من خودم خود را معرفی نمودم به سؤال های شما پاسخ خواهم گفت. منتظر جواب روشن و واضح تان.

نام اول و نام وسط و تخلص تان را فراموش نکنید. تشکر

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 13.12.2021

من از این زن چالاک و سیاست باز و منافق سه سؤال دارم "

"یک- چرا داکتر رمضان بشر دوست مانند خودت فرار نکرد و گفت من وطنم را ترک کرده نمیتوانم، مگر داکتر رمضان بشر دوست طالب است؟

Dr. Bashardost as a person come with great personality, character, sense of humor and of course honesty. But politically he always functions within comfort zone of neutral domain, seldom involved in fundamentals. Most governmental regimes will be tolerant and may even encourage such individuals political maneuvering style to proof and even brag tolerance.

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 13.12.2021

محترم مومند صاحب !

مشکلات اساسی افغانها در قبال حفظ منافع ملی مهین نه تنها فعالیتهای تخریبی دشمنان بیرونی کشور مانند پاکستان و ایران است، بلکه طرز دید خصمانه علیه یکدیگر ، و عدول از چوکات منافع ملی مهین مشترک برای حفظ منافع کشور است. افغانستان در طی پنج دهه و در نتیجه جنگ تحمیلی بیگانگان همرا با طرز دید مخاصمانه افراد و حلقات داخلی که برای منافع شخصی و حلقوی حفظ و یا کسب قدرت نامشروع در تلاش هستند، افغانستان را با تباهی کامل فروبرده است. درمیان بسیاری این افراد و حلقات قدرت طلب و حاکمان در قدرت مرز فرهنگی همپیزی ملی رشد نموده و مراعات نمی شود، این دسته ها اگر ذبیح الله مجاهد و یا شکریه بارکزی اند در بحث در مورد وضع و نیازمندی کنونی کشور منافع ملی و حقایق تلخ تباهی کشور را در نظر ندارند، بلکه آنان میکوشند از شیوه های طعنه بازی های کوچه و شانناژ علیه یکدیگر کار بگیرند. در بحث های کنونی این افراد و حلقات خارج از راه حل منافع ملی کشور در پیشگرفته می شود و سازماندگان اطلاعات جمعی که در خدمت بیرونیها مؤظف هستند مانند، تلویزیون و نشرات بی بی سی، تلویزیون طلوع، رادیوی آزادی، تلویزیون آشنا صدای امریکا و وب ستهای انترنیتی مانند افغان-جرمن آنالین، یوتیوبهای مربوط شورای نظار نقش تخریبی خود را ایفای مینمایند. بطور مثال در اوج بحران تباهی کنونی در افغانستان عده از عناصر مخرب و عده پر آگاهانه بر منوال عقده ها داستانهای اختلافات صد سال پیش شاه امان الله خان و اعلیحضرت نادرشاه را که در تاریخ گذشته کشور راست ویا دروغ ثبت و وجود است دوباره بازگویی میکنند.

بازگوییهای چنین خصومت های کوچه گی این افراد عقده پر شرم آور است. چند قبل شخصی در افغان-جرمن آنالین نوشته بود که فلان شخص در وخت فراغت از پوهنتون کابل چرا برای گل گذاری به تپه مرنجان نرفته بود. آیا رفتن ویا نرفتن بیش از پنج دهه قبل برای گل گذاری به تپه مرجان شهرکابل مفر مقبره اعلیحضرت نادر خان ثبوت دوستی و یا دشمنی با زعمای گذشته کشور است ؟

هرگز نی، بلکه این افراد عقده میخواهند عقده های دیرینه خود را باز کنند،

بحثهای ذبیخ و شکریه به شیوه های خصمانه نیز بهمین منوال دور از راه های حل کنونی بحران کشور است.

هرگاه ما افغانها چیز فهم چی در داخل و یا خارج از کشور راستی مهین خود را دوست داریم باید در مرحله کنونی عمق بحران تباهی کشور بحیث فرزندان سرزمین افغانستان راه همپیزی را برای عمران مهین خویش در پیش بگیریم تا کشور خود را از تباهی کامل آن نجات بدهیم

اسم: خلیل الله معروفی محل سکونت: جرمنی تاریخ: 13.12.2021

جناب "صالح محمد گردش" و "زبان دری"

جناب "صالح محمد گردش"، یکی از محققان فرزانه وطن عزیز مایند، که بر "اوستا" و آثار "پورداوود" نظر کافی انداخته و از "ریشه شناسی" لغات و کلمات معلومات زیاد و مفید میدهند. نوشته های این وطندار گرامی و ارجمند را در پورتال "افغان جرمن آنالین" همیشه و با ولع زیاد میخوانم؛ و آن به دو دلیل:

– یکی، که ایشان مستند مینگارند

– و دوم، که مختصر مینگارند و بالوسیله حوصله خواننده را رعایت میکنند.

مقاله اخیرشان زیر عنوان «مادر آل و شیشک» را در صفحه ۱۲ دسمبر ۲۰۲۱ پورتال "افغان جرمن آنالین" مرور کردم. به متن نوشته ایشان نمیخواهم تماس بگیرم، مگر بسیار حیف میدانم ننویسم، که ایشان با این همه تبخّر در "ریشه شناسی" و معلومات جامع در "اوستا"، کاش گوشه چشمی به زبان مادری خویش – "زبان دری" – هم میداشتند!!! سه چار نکته از همین مقاله را بیرون میکشم، که بسیار قابل تأمل است:

۱ – ایشان کلمه "بلند" را برخلاف تداول عام مردم افغانستان و به مفهوم "ایرانی" آن؛ یعنی "دراز" استعمال کرده اند. به عرض آن عزیز برسد، که "بلند" کلمه ای ست، که برای توصیف "ارتفاع" استعمال میشود؛ چنان، که گوئیم:

"قد بلند" و "کوه بلند" و "درخت بلند" و "پایه بلند" و "بلندپایه" و "بلندمقام" و قابل تذکر است، که کلمه "بلند" مقابل کلمات "پنج" و "پست" استعمال میشود.

این کلمه در تداول امروزی "فارسی ایران" متأسفانه تحوّل انحرافی معنی داده است و ایرانیان "بلند" را معمولاً جهت توصیف و پیمایش "طول" استعمال میکنند؛ چنان، که گویند:

"موهای بلند" و "داستان بلند" و ...، که به حساب تداول ما "موهای دراز" و "داستان دراز" میشود!!!

۲ – کلمه "چشم" در "دری افغانستان" همیشه به شکل مکمل و به صورت "چشم" تلفظ میشود؛ چنان، که گویند:

"چشم درد" و "نور چشمان" و "سیاهچشم" و "چشم سفید" و غیرهم.

در زبان گفتاری و عامیانه مردم "ایران" مگر "چشم" را با حذف حرف "میم" و در هیئت "چش" تلفظ میکنند؛ چنان، که میگویند:

"چشمتان قشنگ است"؛ یعنی "چشمتان قشنگ است" و "چش دردم"؛ یعنی "چشم درد استم" یا "چشم درد میکنه"؛ یعنی "چشم درد میکند" و گرچه ایشان در زمینه استعمال این کلمه از "پارسیان" حکایت میکنند، مگر از سیاق کلامشان معلوم است، که ایشان تداول "فارسی ایران" را به جای "دری افغانستان" گرفته اند!!!

۳ - کلمه "شیشک" در وطن ما هرگز به معنای "گوسفند نر" استعمال نمیگردد، اما این تداول در "فارسی ایران" زیاد دیده میشود؛ چنان، که "فرهنگ عمید" در زمینه نویسد:

«"شیشک" - ا. (ش، ش) شیشاک، گوسفند نر شش ماهه یا یکساله»

۴ - کلمه "خصی" همین قسم و با حرف "ص" نوشته میشود. این کلمه از زبان "عربی" وارد زبانهای ما شده، که با "خصیه" از عین ریشه برخاسته است؛ و "خصی" (بر وزن "فعیل" - صفت مشبیه) به حیوانی گفته میشود، که "خصیه ها" یش را کشیده باشند!!!

جناب "صالح محمد گردش" کلمه "عربی" "خصی" را در چار سطر متعاقب مقاله خود، "سه بار" به صورت "خسی" استعمال کرده اند!!!

امید است جنابشان در هنگام نوشتن مطالب سودمند و معلوماتی خویش، بر باریکیهای "زبان دری" هم توجه داشته باشند و ارزش نوشته ها و مقالات خود را دوچندان و دوبالا سازند!!!

با محبت فراوان او په درناوی

خلیل معروفی - جرمنی - ۱۳ دسمبر ۲۰۲۱

اسم: A. Halim Hakimi محل سکونت: USA تاریخ: 13.12.2021

دوکتور محمد اکبر یوسفی "

"!«باز هم دیموکراسی و «سی کوالریزم

Admire Dr. Yusufi's resilience relating to advocacy of democracy and secularism, which indeed implementation of both is the harbinger of fair political power structure and prosperity.

It is true that good numbers of Afghans are very smart individually while the core arbiter and function of any nation depend upon social-wisdom of which Afghanistan is kept bouncing within bottom of the list. And such social structure in Afghanistan is in fact blocking Dr. Yusufi's suggested framework.

As an examples, there is no other nation left on earth that a group of virtually unemployed with no working skills, operating at the helm of leadership. Or brought-in few personalities and their male offspring to function inherently superior to all other native Afghans combined. And in fact, those are the ones have the power to be in control of social-wisdom.

Can anyone name another nation that a very few of its inherently privileged group of people with birth-based claim of superiority always on top of the food chain?

In Afghanistan such group influence goes even further by not being more than one tenth of one percent population but permanently produce about half of Afghan intellectuals. Mathematic algorithm will not allow such outcome and in order to bring social justice, their privileges must be abolished and until then 13 century mentality will go on.

اسم: محمد داوود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 13.12.2021

شکریه بارکزی هم عجیب مخلوقی است!

در سایت قیس جان کبیر مصاحبه با شکریه بارکزی و شاغلی مجاهد نطق طالبان را گذاشته اند.

شکریه بارکزی که زن بیسار رند و چالاک و حاضر جواب و حراف است، در دوره رژیم غلامان سفیر افغانستان در ناروی و بعداً هم عضو ولسی جرگه بود.

تشکر از طالبان که قیر پارلمان فساد و ملو از جنایت کاران و قاچاقبران را کند و بسیاری شان به کشور های خارجی فرار کردند.

شکریه بارکزی در برابر این سؤال که آیا حاضر است به کشور مراجعت نماید، جواب داد که تنها در صورت موجودیت یک حکومت مشروع به افغانستان مراجعت خواهد نمود!!!

من از این زن چالاک و سیاست باز و منافق سه سؤال دارم:

یک- چرا داکتر رمضان بشر دوست مانند خودت فرار نکرد و گفت من وطنم را ترک کرده نمیتوانم، مگر داکتر رمضان بشر دوست طالب است؟

دو- آیا رژیم های غلام و برده که که هیتلرانی مانند دوستم سه هزار طالب را کانتینر ها سوختاند و بعداً به مقام مارشالی رسید، و درحالیکه کشور توسط قوای ناتو تحت اشغال قرار داشت، آن حکومت برای خودت و امثال و اقران تو مشروع بود؟

سه- چرا با آمدن طالبان همه این جنایت کاران مانند دوستم و عطاء و یونس قانونی و سیاف و برادران و بچه ناپلیون کاغذی پنجشیر فرار کردند؟

امیدوارم شکریه بارکزی درین سایت به جواب سؤال های فوق الذکر پرداخته و با من حاضر به مناظره و منطقه گردد. گفته اند:

بر سر شیران شرف دارد سگ دربار جیلانی

من میگویم بر سر شورای نظاریان و جمعیتان و دوستمیان و ستمیان و سقاویان، سگ طالب بر ایشان شرف دارد.

هنوز هم در چرت و کالت و وزارت و تجارت سی و پنج ملیون دالری شوهرت هستی؟

شتر در خواب بیند پنبه دانه

لعنت بر همه فراریان، نیک اندر بد.

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 12.12.2021

تقابل سوالات در برابر، سوال های یونس اغای افغان جرمنی

امروز در سایت افغان جرمن یکی دو سوالی را عنوانی خود دریافت داشتم که اکنون با سوالات متقابل مطروحه من مواجه میگردد، ولی به صورت مقدماتی قابل تذکر میدانم که برخلاف گذشته که همچو مطالب با زهر هتاکي و دو و دشنام همراه بود، اینبار نوشته اش تا یک اندازه شکل انسانی و مهربانه دارد، بطور مثال همین شخص با نام مستعار یونس، چند روز پیش به انجنیر صاحب قیس جان کبیر در دریچه سایت شان چنین هشدار داد: «...این را باید بگویم که مومند آدم پر عقده است و هم چنان بی معلومات و نادان. به او رحم نکنید، هرگونه مرحمت شما به مومند، شما را نزد او ضعیف جلوه میدهد و خود را پیروز میداند، جواب های دندان شکن به او بدهید تا انسان شود.»

این آغا فراموش کرده اند که:

آدمیت احترام آدمی

باخبر شو از مقام آدمی

این آغا مبتنی بر فهم و شعور بازاری اش تصور و قیاس میکند که بوسیله دو و دشنام به خواهر و مادر و اجداد داود مومند میتوان او را انسان ساخت!!! یا بار خدایا مددی. چرا معیار های اخلاق و انسانیت و اسلامیت متعارف ما به این سویه و اندازه به حسیض اسفل السافلین هیوط و سقوط کرده است؟

تصور من این است که اکنون قیس جان کبیر به او توصیه نموده که عفت ناموس کلام را مراعات نموده و با لهجه انسانی گفتنی های خود را مطرح کند، اگر وضع چنین باشد، تشکر از قیس جان کبیر.

یونس نام از من دو سوال مطرح میکنند.

سوال اول: آنطوریکه هم صنفان شما میگویند که جناب تان در دوران محصلی «فامیل» نادر خان را بد میدید و چطور شد که امروز از آن ها ستایش میکنید؟

یونس آغا! قبل از عرض جواب، خدمت آن هم وطن، سوالی مشابهی را خدمت تان به حیث و مثابه محک، مطرح و راجع میسازم که به حکم شرف و وجدان که اگر به آن معتقد باشید، جواب بگوئید.

مؤرخ استاد سیستانی در اخبار انیس در مورد ماهیت رژیم جمهوری والاحضرت سردار داوود خان نوشت: «رژیم منفور داوودی» بعداً نیز در مورد مضمون من در مورد سردار صاحب داوود خان و قتل عام مردم کُتر به قوماندانی والاحضرت سردار صاحب که شاغلی سیستانی از آن اطلاع نداشت، برایم نوشت که بعد از مطالعه مضمونم، عقیده شان نسبت به سردار صاحب داوود خان مساوی به صفر شد، ولی بعد از مدتی باز سیستانی صاحب تغییر عقیده داده و مقام سردار صاحب را حتی به مقام غازی اما الله و احمد شاه بابای کبیر تقرب داد. استاد سیستانی در سایت افغان جرمن به اشرف غنی خطاب «امان الله ثانی را داد و فرو آوردن سر تعظیم را در برابر اشرف غنی وظیفه هر انسان وطن پرست دانست، ولی به مجرد رفتن غنی از افغانستان به بد گویی او آغاز نمود، من در زمینه مضمونی مستندی تحت عنوان «یک نگاه وجدانی و انتقادی بر نظریات اقتضایی» نوشته ام که قرار معلوم خودت نخوانده ای.

چند سال پیش استاد جهانی به اروپا رفت و استاد سیستانی دست های جهانی را بوسید، ولی بعد از مدتی تغییر عقیده داده به مذمت شاغلی جهانی پرداخت!!

اکنون یونس آغا شما این شرافت ملی و وجدانی را در خود میبینید که؟

الف- چرا در مورد مواقف متضاد استاد سیستانی در موارد تغییر و تبدل و اقتضاء پرستی شان در همچو موارد بزرگ سوال نکردید و نمی کنید؟

ب- آیا شما حاضرید همین اکنون در موارد فوق الذکر و موارد مماثل از استاد سیستانی همچو سوالاتی را مطرح کنید؟

تبصره: میترسم «یونس» یکی از نام های مستعار استاد سیستانی نباشد.

منتظر جواب تو هستم یونس آغا!

بعد از جوابت به توضیحات مزید ادامه خواهم داد.

خوشحال بابا فرمایی

لا تر اوسه پی ماغزه په کرار ندی

چا جی ما سره وهلی سر په سنگ دی

شاعری گفته است:

گرتو خواهی سر فرازی با همه یک رنگ باش

قالین از چند رنگ بودن، زیر پا افتاده است

اسم: Akhtar Yusufi محل سکونت: USA تاریخ: 11.12.2021

ه افغانستان کبني سوچه مذهبي نسل وژنه !

په ډير تاسف سره هغه بد خبر هم نشر شو چي افغان سيکان او د خپل سپيڅلي کتاب “سري گورو کرانت” سره هم د افغانستان څخه ووتل، يا د هندوستان د استخباراتو لخوا افغان سيکان د خپل پلرني هيواد څخه وايستل شول.

د تاريخ په اوږدو کبني په افغانستان کبني ټول افغان اتباعو که مسلمانان، هندوان، سيکان. او يهودان وه په خپل منځ کبني په ورورولي ژوند کاوه، له بده مرغه د مذهبي تحريکاتو اور د ۱۹۹۲ ميلادي کال څخه راپدي خوا د پاکستان د استخباراتو او د پاکستان پلاس جوړ شوي افغان «جهادي» تنظيمونه د واک سره سم په افغانستان کبني په ښکاره توگه شروع شويدي دي. پدي ورړستيو ديرشو کلونو کبني د ميليونو مسلمان هيوادوالو د وتلو سر بيره د افغانستان څخه نژدي يو ميليون افغان هندو او سيک هيوادوال هم د خپل پلرني هيواد پريښودل. دافغانستان څخه د افغان اتباع د فرار په توطيې کبني د گران هيواد د کورني او بهرني دښمنانو لاسونه په ښکاره ډول معلوم دي.

دافغانستان مسلمان اولس د خپل هندو او سيک ورونو سره د پيړيو په اوږدو کبني يوځای په ورورولي او ميني سره ژوند کړی و. افغان مسلمانان و خپل هندو او سيک ورونو ته په ډير احترام سره د لالا په نامه خطاب کاوه. د افغانستان د تاريخ په اوږدو کبني د هندوانو او سيکانو د عباداتو ځايونه خوندي موجود وه، هندوانو او سيکانو پخپل پلرني هيواد کبني خپل عبادت په آزاد ډول سر ته رسول. مگر د ۱۹۹۲ د «جهادي» تنظيمونو د واک د سررسيدلو سره سم پاکستاني استخبارات آی. اس. آی. او هندوستان د واکمن گوند بی. جی. پی په افغانستان کبني په مذهبي تحريکاتو پيل وکړ، په افغانستان کبني د جگړی اور هم زور واخيست، د افغان سيک او هندوانو په مذهبي تحريکات کبني پاکستان او هند لوی لاس لری.

اساسی سوال دادی چی ولی افغان سيکان او هندوان د هيواد اتباع دي، نه يواځی خپل هيواد پريږدي، بلکه خپل مقدس مذهبي کتابتونه هم له ځانه سره هندوستان وړی. هند او پاکستان په حقيقت کبني د خپل دښمنیو او شومو اهدافو په لړ کبني پر افغانستان باندی هم مذهبي نسل وژنه تحميله وی. پداسی حال کبني تاريخی روايات هم موجود دی چی افغانستان د سيکانو د لوی مرشد بابا ننک ټاټوبی و. شويدي. مگر په تاسف

سره چی افغان سیکانو نه یواځی د خپل پلرني هیواد څخه وځی، بلکه خپل سپڅلی کتاب هم د ځان سره وړیدی. د افغان سیکانو او هندو او په فرار باندی د خپل پلرني هیواد څخه د هند او پاکستان د استخباراتو کر غرن لوی لاسونه ښکاره معلوم دی، د افغانستان څخه د سیکانو او هندوانو د فرار بل عمده علت هم دا دی چی په افغانستان کینی د وروستیو پدی وروستی دری لسیزو د «مذهبی» تعصباتو له کبله د افغان هندوانو او سیکانو اتباعو حقونه په ښکاره توگه تلف شوی دی. پدی وروستیو دیر شو کلونو کینی چی «جهادی» تنظیمونو واک ته د رسیدو سره سم د سیکانو او هندوانو د عباداتو ځایونه د پاکستان د استخباراتو او د فراطی ډلو لخوا وران شویدی، د افغان فاسد او «مذهبی» افراطی ډلو او د هغوی دولتونونه لخوا هم د افغان هندوانو او سیکانو امنیت هم په نظر کینی ندی نیول شویدی. په هیواد کینی دا ټول عوامل سبب شوی چی افغان غیر مسلمان اتباعو خپل پلرني هیواد افغانستان پرېښودل. د افغانستان کورنی او بهرنی دښمنانو په عمل کینی نسل وژنه په افغانستان کینی عملی کړل. دا ټول خیانتونه د هیواد د کورنی او بهرنی دښمنانو لخوا په افغانستان کینی عملی شول.

سوجه مذهبی نسل وژنه !

په ډیر تأسف سره هغه بد خبر هم نشر شو چی افغان سیکان او د سیکانو سپڅلی کتاب «سري گورو کرانت» هم د افغانستان څخه ووتل او یا د هندوستان د استخباراتو لخوا د خپل هیواد څخه وایستل شول. د تاریخ په اوږدو کینی په افغانستان کینی ټول افغان اتباعو مسلمانان، هندوان، سیکان. او یهودان په خپل منځ کینی په ورورولی ژوند کاوه، له بده مرغه په افغانستان کینی د مذهبی تحریکاتو د اور د ۱۹۹۲ میلادی کال څخه راپدی خوا د پاکستان د استخباراتو او د پاکستان پلاس جوړ شوی افغان «جهادی» تنظیمونه د واک سره سم په افغانستان کینی شروع شویدی دی. پدی وروستیو دیر شو کلونو کینی د میلیونو افغان مسلمان هیوادوالو د وتلو سر بېره د افغانستان څخه نژدی یو میلیون افغان هندو او سیک هیوادوال هم خپل پلرني هیواد پرېښودل. د افغانستان څخه د افغان اتباع په فرار کینی د هیواد د کورنی او بهرنی دښمنانو لاسونه په ښکاره ډول معلوم دی. دافغانستان مسلمان اولس د خپل هندو او سیک ورونو سره د پیړیو په اوږدو کینی یوځای په ورورولی سره ژوند کړی ؤ. د افغان مسلمان و خپل هندو او سیک ورونو ته د لالا په نامه خطاب کاوه. د تاریخ په اوږدو کینی د هندوانو او سیکانو د عباداتو ځایونه په افغانستان کینی خوندي موجود وه، هندوانو او سیکانو پخپل هیواد کینی خپل عبادت په آزاد ډول سر ته رسول. د ۱۹۹۲ د «جهادی» تنظیمونو د واک سره د پاکستان استخبارات آی. اس. آی. او هندوستان د واکمن گوند بی. جی. پی مذهبی تحریکات په افغانستان کینی زور واخیست، د افغان سیک او هندوانو په مذهبی تحریکات کینی پاکستان او هند لاس لری. سوال دادی چی افغان سیکان او هندوان اتباع دی نه یواځی خپل هیواد پرېږدی، بلکه خپل مقدس کتابونه هم له ځانه سره هندوستان وړی. هند او پاکستان په حقیقت کینی د خپل دښمنیو اوشومو اهدافو په لږ کینی پر افغانستان باندی نسل وژنه تحمیل وی. پداسی حال کینی تاریخی روایات موجود دی چی افغانستان د سیکانو د لوی مرشد بابا ننک ټاټوبی بلل شویدی. مگر په تأسف سره چی افغان سیکان نه یواځی د خپل هیواد څخه وځی بلکه خپل سپڅلی کتاب هم د ځان سره وړی. د افغان سیکانو او هندوانو په فرار باندی د خپل هیواد څخه د هند او پاکستان د استخباراتو کر غرن لوی لاسونه معلوم دی، د سیکانو او هندوانو د فرار بل عمده علت هم دا دی چی په افغانستان کینی د وروستیو دری لسیزو د «مذهبی» تعصباتو له کبله د افغان هندوانو او سیک اتباعو د حقونه په ښکاره توگه تلف شوی دی. پدی وروستیو دیر شو کلونو کی د «جهادی» تنظیمونو د واک د رسیدو سره سم د سیکانو او هندوانو د عباداتو ځایونه د پاکستان د استخباراتو د فراطی ډلو لخوا وران شویدی، د افغان فاسد او «مذهبی» افراطی ډلو دولتونونه لخوا هم د افغان هندوانو او سیکانو امنیت هم په نظر کینی ندی نیول شویدی. په هیواد کینی دا ټول عوامل سبب شول چی افغان غیر مسلمان اتباعو خپل پلرني هیواد افغانستان پرېښودل. د افغانستان کورنی او بهرنی دښمنانو په عمل کینی نسل وژنه په افغانستان کینی عملی کړل. دا ټول خیانتونه د هیواد د کورنی او بهرنی دښمنانو لخوا په افغانستان کینی عملی شول.

جای شرمندگی و خجالب برای دولتمردان افغانستان و حمایتگران خارجی آنان در طی بیست سال گذشته است. امکانات کادرها فنی و کارمندان تکنیکی در عرصه های مختلف فعالیت های اقتصادی و رهبری امور کشورداری در افغانستان در نتیجه تهدید زندگی اتباع و فرار مغزها از کشور به صفر تقرب نموده است. امور کشورداری در افغانستان در بدترین شرایط سالهای جنگ باز هم این امکانات را داشته بود که از تمامیت ارضی و امور رهبری خدمات هوایی ملکی و نظامی خود به پیش ببرند، مگر در طی بیست سال گذشته با موجودیت ۴۳ کشور پیشرفته جهان در افغانستان تمام هست و بود مادی و معنوی کشور کاملاً از بین رفته است. حکومت طالبان و وزارت ترانسپورت آن که چارماه از حضور شان در رأس قدرت میگذرند، نتوانسته که امور خدمات هوایی ملکی میدان کابل را بکار اندازند، کشور قطر مقدمات فعالیت میدان هوای کابل را فراهم نمودند، نرکها و عربها تلاش دارند تا قراد فعالیت میدان هوایی کابل را بگیرند، بدبختی بزرگ ملی اینست که هزاران افغان متخصص در همین رشته در خارج از افغانستان کار میکنند، مگر باز هم این امکان در کشور برای اتباع آن کاملاً از بین رفته است، که خود افغانها نمی توانند در کشور خود برای اداره هوایی ملکی خویش کار کنند

اسم: محمد داود مومند محل سکونت: متحده ایالات تاریخ: 10.12.2021

گریه افلاطون از ستایش مرد نادان
در یکی از صنوف دوره ثانوی مکتب، مطلبی را تحت عنوان فوق الذکر خوانده بودیم بدین عبارت که روزی یک شخص به افلاطون گفت که فلان شخص از خودت به نیکویی یاد میکرد، افلاطون از این روایت راوی به گریه افتاده گفت که نمیدانم من چه عمل نا هنجاری را انجام داده ام که مورد ستایش موجود آدم نمای نادان قرار گرفته است.
هم چنان غالباً از زبان همان فیلسوف روایت شده که بدترین لحظات زندگانی وی، ساعات و اوقاتی بوده که به حکم اجبار در کنار موجودات آدم نمای نادان و ابله سپری نموده است.
خداوند هر انسان بالغ و عاقل و با شعور را از ستایش ابلهان و سفاقت مآبان کژ اندیش و بد سگال در امان نگه داشته باشد، و باید در برابر همچو موجودات لایعقل گفته شود که: «عطاییت به لقایت»
دشمن دانا که پی جان بود

بهتر از آن دوست که نادان بود.

و یا هم:

دشمن دانا بلندت میکند

بر زمینت میزند نادان دوست

امیدوارم محترم دیپلوم انجیر صاحب قیس جان کبیر، و دیگر محترمان انتباهات فلاسفه یونان را حتی برای یک لحظه هم فراموش نکنند.
با عرض حرمت

اسم: محمد عارف عباسی **محل سکونت:** کلیفورنیا **تاریخ:** 10.12.2021

نوشتنم ای را در ویسایت مداحان حرفوی افغان جرمن آنلاین، اگر نشر نه شد خاک و دود نه شود.

تو پشت او بخار تا او پشت تو بخارد، تو اورا لالا بگو که او ترا کاکا گوید. تو اورا دانشمند بگو تا او تر استاد و فرهیخته خواند تو به
لاطابلتش هورا بگن تا در قدومت گل ریزد، به هر نوشته که به ذوقت برابر بود کف بزنی و واه واه بگو و توصیف کن هر که پیرو مکتب کهنه
پرستی ات بود و بیلش را بیشتر در لجن زار لاطایلات فروبرد تحسین و تقدیر نما و ای و الله گو. که دور عقده کشایی ها و ماما و کاکا بلند
بردن ها رونق بازار است و گریز حقایق کار دیده درایان.

آن که خودش را توان یک سطر نوشتن نیست بر سر غندی نشسته گاه بر یکی آفرین گوید و گاه بر دیگری پیاله چای بردستی در انجمن
خبرگان مداحی کند و از هر دیوانه گسیخته زنجیر ادب پشتی بانی کند .

گر توتهداب این عرف ماندی و این فرهنگ ایجاد کردی بدانی که دور پیشت بسی آگاهان اند و دانایان و مطلع به رموز فریب کاران. مکوش
که استعمار قلم پیشه کنی و درصف قلم سالان مستبد قرار گیری که امروز دور معرفت است و گسترش اطلاعات و دانش. دست بردار از
تبلیغی که به درد نخورد روزگار سیه امروز را مرو به دیروزی که ندارد سودی به احوال امروز. واقعیت بنگر و عاقل باش که عصر افسانه
و فسانه گذشت.

اسم: محمد داؤد مومند **محل سکونت:** متحده ایالات **تاریخ:** 10.12.2021

گفتار های دریچه ای در مورد تحقیق بی مثال استاد جهانی.

استاد جهانی نه تنها استاد سخن زبانی، است که علامه محمود طرزی آن را زبان «ملتی» عنوان کرده است، ولی محقق است، که نظیرش را
در سایت حزب افغان جرمن نمی بینم. (موقف گیری گماشتگان این سایت در هر مسئله، مثلاً در مورد والا حضرت سردار صاحب محمد داوود
خان و ضدیت با شهید میوندوال و نادر خان بزرگ، امثله روشن مدعاست»

در مورد تحقیق دقیق و عمیق و همه جانبه و مستند استاد جهانی در مورد غازی امان الله و غازی نادر خان، به این کلام پر مغز و پر محتوی
اکتفاء مینمایم که مشعر است:

قدر زر زرگر بداند قدر جوهر جوهری.

خداوند بما توفیق اعطاء فرماید که دو بین و پله بین نباشیم یا به قول علامه داکتر اقبال:

یکی جوی و یکی بین و یکی باش

اسم: Akhtar Yusufi **محل سکونت:** USA **تاریخ:** 10.12.2021

د نوی استعمار شکل د زاره استعمار څخه توپیر لری. د نړیوالی دویمې جگړې څخه وروسته استعمارچیان د خپل استعماری اخځافو د لاس
ته راوړلو د پاره د نښایتی جگړو د روش څخه کار اخلی. ښه غوره مثال یی دا دی چی بهرنیانو د خپلو شومو اهدافو د سر ته رسیدلو دپاره په
افغانستان کښی لومړی یی د طالبانو سره په شل کلنه جگړو کښی ټول افغانستان وران کړل. دوه کاله مخکی کښی
بهرنیانو د امریکی تر مشرۍ لاندی په قطر کښی د طالبان سره د سولی په نامه یو کرغرن او غیر عملی قرار داد لاسلیک کړل. د طالبانو
سره د هغه گټگ قرارداد لاسیک هرو مرو د طالبانو د واک د رسیدلو ترون دی چی په دوحه کښی لاسلیک شویدی.

په دویم قدم کښی بهرنیانو د افغانستان څخه د فاسد، لوټماران، جنایتکاران او د هیواد څخه د بیگناه افغانانو قاتلانو رالیستلو زمینه برابره کړه،
چی هغه د افغانان قاتلان یوه ډیره برخه همدا اوس په غربی او عربی هیوادو کښی د میلیونو ډالر او پونډ سره ژوند کوی.
بهرنیانو د طالبانو د واک څخه افغانان وپیرول، چی هیواد پریریدی. بهرنیانو د افغانستان څخه په لکهاؤ خلک د خپلو هیوادونو د مزدوری لپاره
را وایستل، او دا لری اوس هم پ وحشت سره دوام کوی. بهرنیان غواری چی د افغانانو د مجبوریتونو څخه خپلی گټی پورته کړی، د
افغانستان څخه ټول د سواد او پوهی خاوندان را وباسی، په افغانستان د دوی د چور دپاره معدونونه او غرونه پاته شی.

بهرنیان د طالبان د واک په رسیدلو سره سم د افغان اولس سره په ربرولو او ظلم باندی پیل کړی چی همدا اوس زیات شمیر افغانان هیوادوال
او په خاص ډول ماشومان هر ورځ په خپل هیواد کښی د لوړی میری، او یا د داعش په جگړو کښی وژل کیږی.
دا پورتنی جنایتونه په یوویشتم پیړی کښی د افغانان سره د نوی استعمار د ظلمونو او جنایتونو ښکاره بیلگی دی.
ټول افغانان ته د طالبانو په شمول د خپل پلرنی هیواد افغانستان د ژغورلو دنده په غاړه اسلامی او ملی دین دی، چه افغانان په گډه سره خپل
هیواد گران افغانستان د تباهی څخه وژغوری

لوی درواغن وایی!

د پاکستان درواغن صدر اعظم عمران پنځه لسیزه کیږی چی پاکستان په افغانستان ارونه بل وی ویلی، چی په افغانستان روان حالات د
پاکستان د اندیشنی وړ دی.

دا هغه د درواغو یرغونه دی کوم چی پاکستان غواری پدی ډول چلونو سره د امریکایی سلاؤ غلاوی او په همدی ډول د افغانستان څخه خپل
جنایتونه پټ کړی.

په افغانستان کښی د ناوړین او د زموږ د هیواد ورانول د پاکستان خوشالی او پاکستاني آی آس آی دنده ده

گرانو وطنوالو !

تاسو ډير ښه پوهيرى چى د واک انتقال د جگړى او مخاصمت په شرايطو کښى هر ډول نيگريتياري او مشکلات و هيواد ته راوړى . پداسى حال کښى چى په هيواد کښى شل کاله د ۴۳ هيوادونو اشغال او د کورنى وطنفروشان او غله په حاکميت موجود ؤ. جگړه مار طالبان د تېر فاسد دولت د فساد، ظلم، خيانت، جگړى او د پاکستان محصول دى. جگړه مار طالبان د جگړى د ډگر څخه واک ته راوستل شوى دى. د افغانستان لوى مشکل دادى چى طالبان جگريز ډله ده چى د هيواد د رهبرى دپاره کدرونه په خاص ډول د وزيرانو او واليانو په سطحه نلرى، او که يو څو تن کرونه هم ولرى د ټول افغانستان د رهبرى د پاره بيخي لږ دى. طالبانو سره لدى چى د خپل په نظر د جگړى د ختم اعلان کړيدى مگر جگړه نده ختم شوى. جگريز حالات اوس هم پر هيواد مسلط دى. که تاسى د هيواد تصويرى شکل ته وگورى، طالب وزير، طالب والى او د طالب ډير نور قوماندان و غونډو ته د سلاح سره راځى. دا ثابت ده چى جگړه ختمه نده. پاکستان نن يو وار بيا په ستهلم کښى د افغانستان په نمايندگى خبرى کولى. د افغانستان خارجه وزارت ته پکار ده چى د يو مستقل هيواد اعلاميه خبره کړى. او د پاکستان د مداخلى مخه ونيسى .

اسم: دوکتور محمد اکبر يوسفى محل سکونت: آلمان تاريخ: 09.12.2021

کليوال صاحب سلام!

اوس پوه سوم. هرڅه چى ليکل سوى هدف لومړنى ليکوال دى. د هغه سايت مطالب نه لولم. زما تعجب هم بى ځايه نه وو. خو نور سوالونه او اشارى اصلى ليکونکى ته ده. اوس حل سوه. د هغه سړى څخه بل انتظار نسي کيدای. په درناوى، يوسفى.

اسم: آريانا افغانستان آنلاين محل سکونت: فرانسه تاريخ: 09.12.2021

جناب کليوال صاحب،

با کمال معذرت، لينک مطلب اخير شما اشتباه درج گرديده بود که دوباره اصلاح شد.

با حرمت فراوان
اداره

اسم: سلطان جان کليوال محل سکونت: کاناډا تاريخ: 09.12.2021

ښاغلى حکيم حلیمى صاحب سلام. زه په انگليسى ژبه ډير ښه پوهيرم خو نه غواړم چى تاسو ته په انگليسى ځواب وليکم . ځکه دا سايت په زرگونو داسى کسان هم لولى چى په انگليسى پوره نه پوهيرى. که تاسو له مانه خپله پوښتنه په درى يا پښتو ژبه طرحه کړى نو زه به درته حتمى د خپلى پوهى په اندازه ځواب درکړم،کنه نو چى هرڅومره په انگليسى وليکى ځواب به در نکړم، خپه نه شى. مننه.